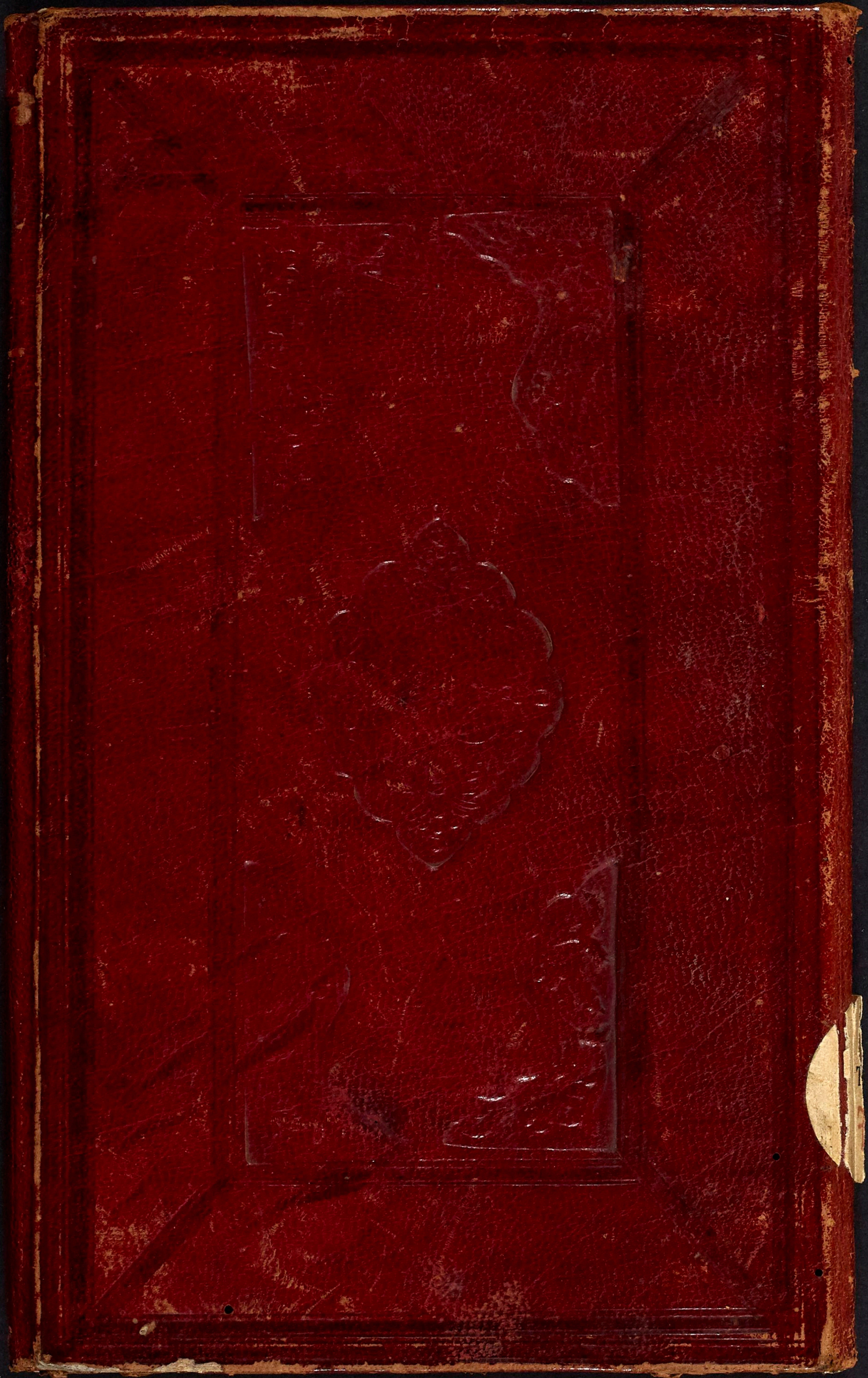
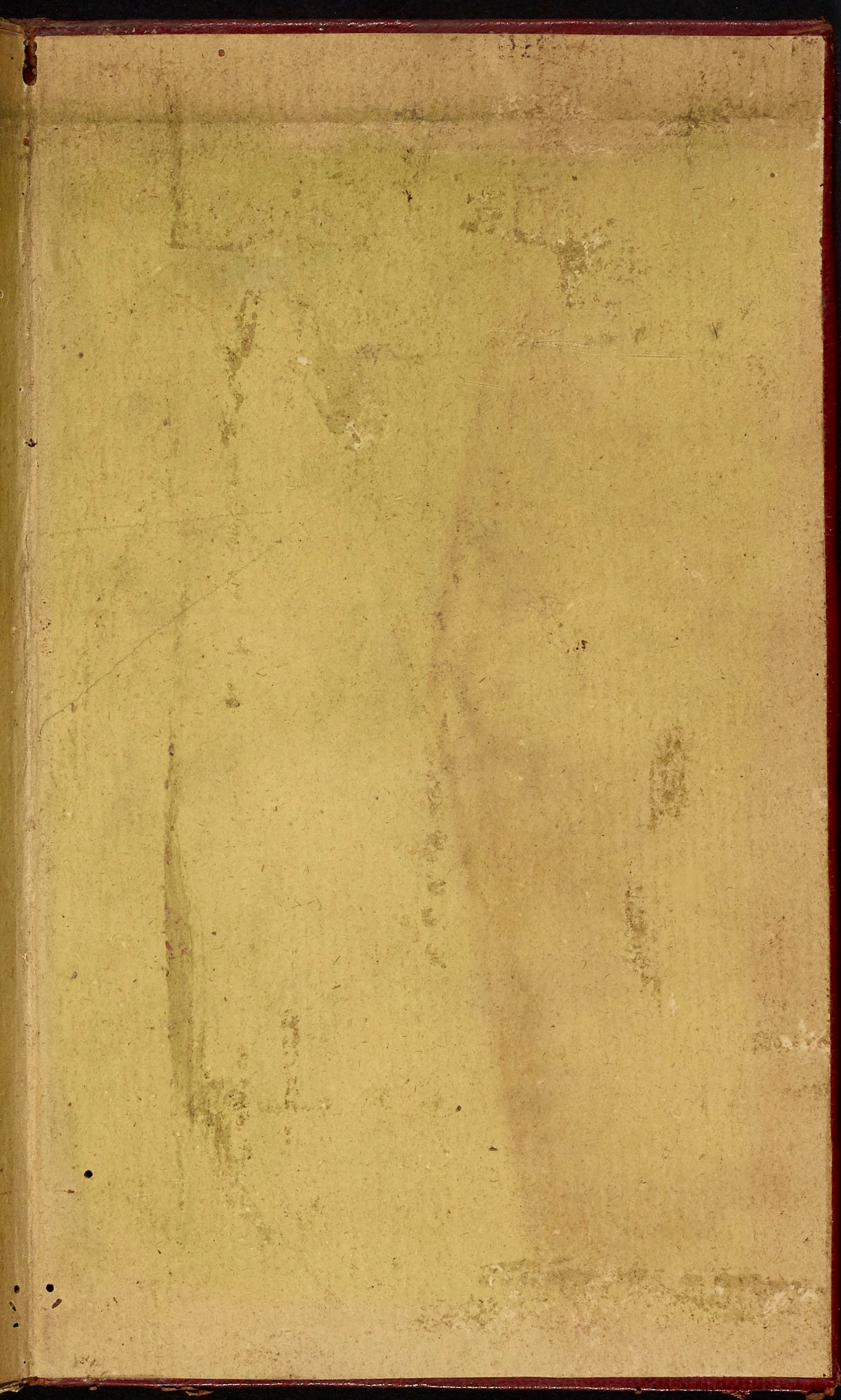


Ms
TURC

210







300h

70

1005
1006
1007

Ch. 6. 14.

A circular seal of the Library of the University of Cambridge. The seal features a central emblem, possibly a coat of arms, surrounded by intricate Arabic calligraphy. The text is arranged in a circular pattern, with a central rectangular label containing additional text. The seal is stamped in a dark ink on a light-colored, aged paper.

الحمد لله
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه

تاریخ افغانی
سلطان
محمد هوتک

من عبد الفقير
عن

تاریخ کتب

من كتب الحمد لله
 يحيى من محبة
 ربنا

Conquête de Suquo sar par Sulvan
Suliman et mort du St Empereur
à ce siege à l'usage de
Seiry de Langue
en France

N^o 14.

[illegible]

کتابخانه
المکتبہ
مکتبہ
مکتبہ

سنگ ارنای

الله لطیف بعباده • تجلّت ذاته • وجلّت کلماته • اولد که
 و جا هدوانی سبیل الله حق جهاده • آیتنی انزال و افهام
 و جهاد و سرافرمان ذوالجلالی ایدوکن اعلان و اعلام سوره
 تاجداران غزایسته • و خدیوان هدایت اندیشه
 اسباب امتثالی آماده • و صحیفه اعتقادی سنجیده شکوک
 و طنونذن ساده • قلوب کهار بدکردار خذلهم الله الی یوم
 الحساب که خراج گذار • و او امر اولو الامر فرمان برار
 اولمیر اول طایفه فخره • اولئک هم الکفره • زور بازو
 جهادله یا مال • و نیروی غزاة حیدر نژاد له مشور

۸
الاحوال قلوب کبریا کج از خاں بیطارضه
روان و حیف نسج و طوده نمایان اوله سینه راه
کشتور آرای متین و انکار حضرت نمای صین لری
تعلق ایدوب مرایای آن الله عزیز ذوانتقام
مزایای چهره شای صور افتام اولو کج تیغ شجاعتی
در میان و تیر تیر شهامت کمان بی کمان بمکرنده
بسته دنان ایدوب شیران کارزار و نهر بران مردم
شکار له قلو لری قلو و خلعت ارجلری خلعه
خصوصا تعمیر عام و تحریب عام سمندر نه گوشش
و نمکن اولدچی غیرت اسلام و عادات اولیا کرام
و دزیش قلوب نشیمن حضور و پیر آمن جبور لرینده
سها می طیار سیونی تبار رما می خطار طوب
و تعنی آتشبار اندو کلرندن ماعد شیران مردم

و بهر بران بشتر پیکر ~~کسم~~ سایشگر فی خاسته و
 اسباب رؤیای شکر فی زیر و زبر قلوب معموره الاطراف
 و ضیاع محفوظه الاکناف خرابه بیاب و کله بکله
 خنازیر و کلاب زخم خورده سیوف آتش تاب اولوب
 جنود بناله حطه شاحطه لرینی ویران خوشم چشم
 رحاله اماکن ساقط لرینی بی بنیان ایملدن خالی اولمیه ^{نظم}
 خدای کرم یاور فرمان او غرای شمان مجنح احسان او
 دلیران رستم کجمانان جنگ فشانندگان جناح جنگ
 بهر بران سپهر پیکر ان دین قضا پیران پهن پشت کین
 همه نور بازو و نیم وی تن ستانند و خواهند از ان ^{المن} ذو
 مقام حقا برقا در توانا و قوی شیر العطایا
 در که سلیمان مسند نشین تحت باد آورد اوزره مکن
 و گروه بی شکوه ضلالت قرین سخن آن خاتم نعت

۹۳
نکین • اوله سی رادت قدیمه • و مشیت قویمه • منه دایر در

لا سیما هفت مجلس سما • و هشت بهشت ماوا • سانی

شبا هینک • و هفتورنگه پر نور • و سیای جبا غلمان

و حورله بیقصور • اولدوغی کمال قدرتشدن بیدا

و نوال معرفتدن هویدا • ایدوننده رب یوقدر **نظم**

قدرتی خسته جان ویری قوتی صحت و توان ویری

روی زردیکه سیم کوره هر نه ویردیر اکان ویردیر

کیمی ایتدی شاه فرمان آن حکمتی حکمه نشان ویردی

کیمی فکدی شیر بهشت جنک الدننه خوفشان ویری

پیکر هن اولیسل کبی حالاک ایده فراره قدرتن ادرک

نظم حمد بی سطر • و نیایش خفی و سیر • هر و جلد

نکته • و خضوع و خشوعه توفیر • اولدقدن مکره **نظم**

رسول قریشی ملج الکلام محمد علیه السلام التمام

۱
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
بِالْغَيْبِ وَالْجَهْدِ الْأَعْلَى

كثير الكرامات والمعجزات
نزلًا صَوَدًا عَلَيْهِ الصَّلَات

نثر خصوصاً بدور بدور دور • وصدور صدور دور •

اولاد موفور الحبور • رضوان الله عليهم الى يوم النشور •

وانواع محضات • ارواح قانات **نظم**

الحمد لله حسن المجد • اجمل الجمه كجمل السجده

رضي الله ربنا عنهن • بقاء بدنا منهن

نثر وچاره كارين • واصحاب جابن شين • رضوان الله عليهم **نظم**

پس از نشانی یک مجلس صلوات سلام • بیا باده گوشه نشینت و کوهر حایم

خوریم و در که صفت حدیث باشیم • دوم مجلس بزم غزای ابراهیم

مجلس شانی صاحب قرآن زمان خمر ترنیک انواع

زیب و ریت و اصناف شکوت و عساکر بی نهایت

غزیمتری و منزل اولده استر احتلری بیاننده

درین

بر صبح بهروز نورانی • و روز فیروز انجم ستانی • که
مچه لواء نهرواتی • بیدار مینامای آسمانی ده پیدا •
و طراز سرفراز سبج طباطبی • فضای سر بلند
والاده • سرو بالا کی انگشت نما • اولوب غمام کوناگون
شفق میر • شبنم و سرخاب کیا بطنه • و قسطاس
اشعه مهر شیر • جلوه گاه خفاده طاهر و مستیز • اولغله
عساکر ملایک کرده • زیب زینت الوده • و دساکر
ارایک شکوه • انواع گروفره شکوت بوده • اولدقده
اول شهریار کشورستان • و کامکار غصفر توان •
مهر پهرت سعد • و ماصدق فحوی سلیمان نعم
العبد • اعنی به سلطانین غراکت سرفزاری • حضرت
سلطان سلیمان خان عازی که • ساحه بی ساحه
همتی • انظار چشمان تو محمدن دور • و باخه اباحه نعمتی

۱
قطار حرم و حکم و مجور. خصوصاً ناک و کجمان تدبیری
هر بار عرصه گاه نصرت و عزای پیوسته. و کند صلابت
ارژمان تأثیری. هر زبان معارک و محاربه میان بسته
فلک و زمان شیخوخته شیره در شر. و پیر کبی عالمزده
جوانان جنبش. ایدوب قرال و دکلی روسیا.
اعنی مقسمیا نوش صلات کواه. سه حدیحه حرکت
و مارپیچ بی قصد گزند و مفرت. قلوب کفار بد کردار
و تجارت استوده کار. کروی کله خنایر کبی ارخا.
و اول حوای ده نوع فساد و شناخت طریقه القا. ایدوب
سیلاب بیژار وار. بحر ای طیان و فتنه ده خار
اولد قلمزده غایه اکناف و اقطار. و قصه اطراف
و دیار. چارنا چار. چارما چار. دیو پادشاه هفت
افتمی عرض و اعلان. و اکثر و انبیا الفاد

فخوای شریفنی تلخیص و تفسیر و بیان ایلد کلرنده **نظم**
بفرمود شاه سلیمان سیر کند مشکباری بیان دیر
جیوشش نه بران روی کرده برآید بسختی جواله زکوه
دلیران درین بار آورند چو شیران غنّه کار آورند
نثر بومتوال اوزره میران نامدار • و میره آتاش قوی
الاشتهار • طغرلرینه مناشیر طوشتان • و طوایر
شهامت رسان • انما اولوب تنبیه حاضره • و پای
بست محاصره • انما مندن مکره سرداران فرمان بران
و سرداران عتبه کیتی ستان • فرادا فرادا • افعل
ما توئم • صدالرنی اصعا • صدودنم ایکن • اولادیار دیار
شکار • و شمسوار ممالک کداز • سنه ثلث و
سبعین و تسعمایه • شوالنک طغوزنجی کونی که پخشینه
ایدی • آفتاب جهان کبی منرئی تبدیل • و دآر

و دارالدوله السنيه محمديه قسطنطينيه دن فتح برج و نصرت

کوتیل • مراد ایدند کمر بسته • قبل طلوع الشمس • دستوان

مدبران خمس • اعني شيربیشه تدبير • و دیر پیشه

طهریه • مصاصم قصبه جهانداری • و ضرغام قله فرمان کزاری

مشاطه اکیس هفت اقلیم • وزینت آرای نجاس

عدالت نعیم • حرم سر پرده جاہ و جلال • و اعلم سرایر

سراقات اقبال • سزاوار مضمون فاخته کبلا

وزیر کبیر اصف صفا • حضرت محمد پاشا

باغ عدلنده پادشاه فکر • طوغیر سر و کسی و الله

کور و بانگ صدیقی صحن • عرض مہر ایلدی چلبان شاهی

دستور مسرور روشن رای • وزیر منور درون

کشور شای • شمع بزکاه کمر صائب • و لعل پر شو

بخم ثاقب • نیم برج دکان • پرتو پاشا • و عالی مقام • و

ضرغام
ارسلان

شیرین کلام • کوه وقار شکوه اعتبار • فریاد پاشا
نامدار • شمس سپهر کرم • وزیر دایه ترم • شیر
نبرد • و شیر اردشیر هجاء نورد • محمود قوال • و ممدوح الحال
احمد پاشای خجسته خصال • و پیر پیش قدم ارکان • و
چهره سایی عتبه خاصه عثمانیان • حسب توان
بنام • نیب و شهناسان کرام • مسند نشین مجالس
اصطفا • وزیر خاس مصطفی پاشا • و فیلسوفان زمان
و موایی مآوره دان • عیایم بزرگ • و آستین شکر
لا سیما نعمانی بکس • و جلادت و مهابت بی قیاس
ایده بحسب المناصب • قرارگاه رتبه زینت راغب • و باطله
روشناسان و اکابر • کابر آرا عن کابر • اول روز پیر
را کبلر • و طلوع مهر سپهر سلطنته متهم قبلر • خصوصاً فردان
سپهر نصرت • و مهر و ماه گردش سنالت • حاکمان محکم

دین و مقداریان مسالک لغاتین. اعنی بهما دو قاضی عسکر
 بلاغت ادا. و سایر علما و فضلا. و کسب و عطا. و لایما
 ملاذ منشیان عوارف. و جسم ششمه خدایگان عوارف
 فصاحت شناس. بلاغت لباس. موقوف دیوان سلطان
 اعنی به میهن شانی. و کنه داران خوانه شاهی. و مخلصان
 اموال نامتساهی. ارقام اشارت. افلام استقامت
 سر دار لر و کار گزار لر. دفتر دار لر. و عالی پایه لر. همایون
 سایه لر. روشناس لر. زرین لباس لر. درگاه کیتی بنای
 محرم لر. سر بوابان اولان مخمر. خصوصاً کردون مدار لر
 بلند اشتهار لر. مکرر و قور لر. اعنی میر انور لر. و حشمت
 دثار. و صاحب قار فرقه لر. اعنی پایه امارت ایرانش
 متفرقه لر. گزیده لر. پسندیده لر. بکیر لر. لازم التوقیر لر. چاکر لر
 خدمت گزار لر. صبار قار لر. سر پرست لر. زمره

به دلالت

چاوشگر. سیدن بوزدغانگر. واوتافه کمرانگر. ایل
 کنارگیر. طرف سیر. اولوب سرصر وار. ^{چادر} ذره لری. ^{تارمار}
 و منظر آفتابی غبار. اتمک اوزره یکن. شیر لردیر لری.
 دشمن کشگر. عدور کشگر. برق جنبشگر. رعد غنیشگر.
 بیهربنی امانگر. نه بر مردم ستانگر. تفنگ اندازگر. بلند
 اوارگر. زوین دارگر. سسکین صدالگر. مردلر چلر.
 اعنی کچر لری. کرونا گروه اظهار شهامت و شکوه ایدر.
 صف صف خوانان. و طرف طرف کراران. اولد قلدند.
 ضیغم توان. کرم استنان. علی سیرت. ولی خلقت.
 کارگذار. راست کفتار. ^{بخت} شیر بشیه و غای. کچی غای.
 علی اغا. گروه جلادت شکوه. و شکوه جلالت گروه. ایل.
 آشکار. اولد قده جوانب و حواشی. زیر پای موآشی.
 کتاب زیب و زینته حواشی. دوشوب یرو.

و منظر آفتابی غبار

و صوف کتاب موآشی

دوشوب یرلورلرن • وقزارگاه قسرلرن

دزیلوب ولا تفنگ انداز هر بری جنگ ساز او تشن باز

هر تفنگ فیکه سیمران صحن از در شهر افشان

یونیدی بری تفنگ اول ایده کر میشد تا که حبل

التون اسف باشد فستیل هر بری ولدی نور و ناره دسل

اول فیکه آتش بار کویا باشند اشدی شل بار

حرب بر جنگ و حرب حاضر خدمت نیره دن دکل قاصر

توغرا باشد متقه لرنان نوردن صایه سکه سروران

برده یا تو قوی بوزم کرک دوندی طاوس باغ جلوه لرن

چار طاقیل کمی شوید پرور باشد همان چرخ چارچی کو نور

اول قاییدن تو شکر ندهن حلقه ماری میشن یکی شق

بواسلو اوزمه ستر • کاتتم جرادت شر • پویان

ودوان • وکراران و جلوه کنان • اولد لرندن صکره گرم

چم

خیمه صنم سینه براق کام • دلدل خرام • زمان عست
 جهان زینت • شرف پلهنک • نهنگ آهنگ • کرامت
 رخت • جهان سایه بخت • سپهر انتقال • مژگان نظم
 یک کلر که کرد سمنده هوا • براق بهشته و پرورتیا
 گذارند دنیا کی تنه تنه • خرامنده سربری عمر نیر
 شمع کونلرند علف کعبه • بهار اولدوغجه زمره خدا
 نثر غب ذلک تو غدار • بهای شوکه هوا دار • اولان
 صولا فکر مانند کنش • آفتاب کشش بیکره قرین • نرکه
 کواکب نواقب سرخ برین • صف آرا • وایت کریمه
 و الملک صفای • فحوی شریفه ماصدق بی همت
 کمانری قبضه کماندن بعید • و خدنگ جان ستانری
 پوته تصور و تجلده نابید • بو حالت اوزره ناگاه
 افق سعادتن بر مهر خشان • و مطلع هر اسیدن

بر ماه تابان • فراز ابر شوکته پیدا • واسد بر حنجره کون کبی

هویدا • اولدی که خوراته زلزله • واحماته دلوله • دوسوره

ویا خود بر شیر ریان • بیشه زار مهابت احرم نمایان •

اولوب خاکپانه دهشت • عسکربی کرانه خشت •

ایر کوردی • ویا خود بر سرو روان • شکوفه زار ساگره

کراران • اولوب جو بار بصرتی سرگردان • و شخار

استطاعتی سرکران • ایلدی کبار و صفار • و ابر آرد

اخیار • و صاف جمال شهریار • و مداح دیدار پرواز

اولوب لالتد که الایصار • وهویدر که الایصار • تداوتی

تکرار • و دهشت بی غایه لرینی • بشمار • ایل کلنده **نظم**

لطفه هر برینه و پردی سلام • قلیدی رسم مروقی اتمام

نور ستاره اوتا غلری • سون نور سطر ای دلسه بری

جسم پاکنده خلعت دیبا • سمنه صالکدی صانکه هنر سیا

زکمر قدرت عیان بشش نور بر طوقی در میان بشش
 صانع یا قوتگر خجسته در سطر یا قوت متن مسطر در
 لعل و یا قوت اچیزه اول بشش اولدی نخل سگوفه زاره بشش
 صانکه بر جویبار در شلا ارغوان نخلی سیاه بشش اکا
نشر خصوصاً مرقع لجام • و برای جوهر نظام خوش
 دلدل خرام • و سمند نه بر انتقامی • برو جلد تزیین • و
 نازنین و ستمکین • ایشیک کویا نهنک بی پروا •
 دریای جوهر و ن هویدا • اولوب لعل و یا قوت مستوق
 و الماسی شفقری آینه دار نور مطلق • مشا هده لوندی **نظم**
 قطاس منور رسیده بجاک چوبرقی بار و زانداک پاک
 بقسطاس ابلق سمند کرین چو ابری عجب شغاشه قرین
 بوکونه زیب و نور اسکار • و اول بشش طالع اچیزه
 طارم کبی تا بدار • اولد قلری حمیده • تفک اندازان هدایت

قرین • یوم نایتی السماء بدخان مبین • سرنی اسکار
وعیان • ایدوب برآین صواعق ورعد و برق • علو بر
نه رواق غب شرق • واقع اولوب مکاه آتشک شکر
اعنی اودن بشت بیک نفر یکچری • شادی کمان و تفنگ اندازان **نظم**
دوشدی آفاده جک زلزله سی چرخ ایدی تفنگ و لودی
نثر بو حالته ناکه مان • تو غمائی هدایت رسان • شد
سپید ریش • و سالک خیر اندیش • بکی غمیان • و
کاکل پریشان • اولدقلریند صکره • آیات زرین جباب
واعلام ستمکین کشورستانی • مچو تابنده برنی اطهار
وهر برنی رشک مهر و ماه تابدار • ایلوب آغای خشم
رایت آرای مخم • اعنی به میر علم • و کبراء کرام • و عطا دیوی
الاحرام • مهر چارم قرین • شش جبات بین • صاحب
و قارلر • بلند اقدارلر • اعنی لوک آغاری • علی الخصوص

زمره مهتران • دارمشکران خوش الحان • صدای پو
 و نفیر • و نوای صورنای شکست پذیر • ای که ممکن
 سما که حکم • و زمیذن زمانه اظهار شستم • قتل کردن
 صکره دلیران ابلق شان • و اردشیران ابلق سواران
 فردا فردا بخلاخت • مصفا بخت • کاردان • یحاکران
 اهرسته رو • قضا پیرو • تیر انداز • تیرکش ساز
 افغی کمان • دفعی نشان • اعنی زمره سپاهیان
 مردلر • صحرا نوردلر • فردلر • رستم نبردلر • جوشن پوشلر
 زره بردوشلر • مغر دارلر • شاهن سکارلر • شش پهلر
 دشمن شکنلر • برارلر • گروه سلاح دارلر • ارسلان
 قتلان غربش • جنگ افکن • رویین تن • سپهر کمر • سپهر
 سام سوار و تهاق نشین • علوفه جیان بسیار و نمایان
 غریبلر • میبلر • ناشکیبلر • بی مانر جان ستانلر

نیک خور • جنگ جوار • دیران هر بر استعمار • غیاثین
 و سیار • فوج فوج نمایان • بلوک بلوک خا مان • نصف
 کراران • طرف طرف جلوه کنان • اولوب بیر قتری یگانک
 و بکسری زربفت و سنک • آتلی ترک نازده • زر
 اندوده ختلی سوز و کدازده • آلا یلری کامل کردسم
 سمندری فرق فرقانه واسل • لاسیماروشن اهلر
 زمره سر آجلر • کهناندر دربانلر • سر بارلر • رعایانلر
 جبه جیلر • عرب جیلر • و سایر خدایم ذوی الاحشام • یرو
 یرلرنده • و جایگاه مقررلرنده • مانند سنین و سهر • مرد و عبور • اوزره
 نظم سیه چندی نوکب اصغار • اولدی موره هر سردیوار
 با طر قادی اول کفاره • بارون دادایدی حوکاره
 نثر و باطل رعایای خسرون • و مخوم و سگون • دعا کر
 فرون • ایدوب • و این تنجهون • آیتنی تکرر • و ازواج و اولاد

۱۱
واسباط واحقاد فراقنی تصور صد دنده عکراکب
مانند غم مکرکب حوالی شدن با غلر کنارینه قریب
وتراحم و تقادمدن ناشکیب اولد قری کی **نظم**
ظاهر اولدی اوتاغ سلطان سیم برقلو طوئی سیدانی
سایه نه سپهریدی غالب که ملایک پرایدی جانب
هر طبای شمع سره دل نه فلک دنده اول و تاغ محل
نظم چونکه خاقان داد کستر اول بروج پر نوره
و جمالی ماهنی علماں پرده نشینه منظر سوردی
اربابی طر فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع
الشمس والقمر تلاوتنی مکرر و دوام دولت شیر
دعاینی از بر قلوب یقین و بعید ذلک یوم الوعد و یو
منه تلکرنی جویان و غویان کیمکنان اولو کی **نظم**
کیم دی سیمین خیام کمر شاه خیل کروبی قلدی پناه

هم بری فکر احوال اوزره سفر میرنه استقال اوزره

جلس ثالث سلطان فرمان ران

مراحل و منازله کی احوالی و بخت و دولت

سلطان اقبال و وزیرانک ایا میری

و ابتداء جنگه کی رای نصرت ادا لری پامرد

ینه بر کونک مهر نورانی حکدی زرین لواء سلطان

مویا اولدی نور شوشه تیغ زر رشته موی خاقا

صحنه صوایدی صدا ی نفیر قلدی بیدار خیل انسانی

باستلیدی بای هوی زرقه عکر ملکت سکیمانی

اعنی که سلطان عالی کش و صاحب قران بلند

اندیش مانند ساکر پیشاپیش اول عا کر

بیشاپیش ایل بدرقه همت زمت کشور ستانه همتا و

جبریل دلیل بای جمله پیشوا اولوب طراق اسوه کاپوی

نقش

۹۵
زخارینه تنک و اکناف شاسوه مسم سورا اند
شکسته حال و بی درنگ اولغین طی منازل حلت
ساز و قطع مراحل شب و قراز اوزره فیح الارجا
صحیح الهوا صیدگاه سلطانی شکارستان حرمی
اولان محروسه عظیم القدره و مصل مسعود اعنی حمیه
بهیه ادرنده نزول مهود لری سیر اولوب کجانی الاول
تراجم و تقادم محمل بلکه اتم و اکمل تراکم و تنهاجم محصل
اولوب قطان حوائی نشین و سکان خطه کرین
دیدار بهجت آثار شهر یار نطر و آثار اجناد
رسخه اطواره صرف بحر قلندرین ماعدا اوج
کون تمام شرف نزولیدش دکام و سعادت عالم
شمولید مسرت انجام اولش لرا یکن همای همت کیتی
پناه فروه رتبت غنعتی پروازگاه ایدینوب مرور

ایامه صوفیه نام قصه غنیمت انجام ده آفتاب گردون کمی
بکی بر کون قرار و آرام بیوردن صکره ماورای
دلیل سبیل غزا و سبیل دلیل مقصد قبی در احوال
ظفر نوال و انتقال سفر مال اوزره کارگر پولاد
کمر چرخ بنیاد نصرت آباد اعنی قلعه بلواد
اوکنده رفیع خیام و نصب اعلام قلوب
ایکی کون تمام قرار آرام عقیده
خسرو شکرکش و نصرت مکن شاه جهان در سلیمان نشین
کرد بدریای کمر خوش زمره پراخت بروی زمین
گشت لکد خورده پختیان کا و زمین زیر زمین کرن
بو سوال اوزره زمین دیکله معروف بر جایگاه
موصوف ماوای خول رحاله و سزکاه جنود نباله
خصوصا اوتان شعاع طاب سلطانی نمودار قباب

آسمانی. اولغلغ ککرد سا کر رنج سکون. خیر آب
 و انقلا بدن قورلتش ریایکبی سکون. و مرکب
 ستور و خول و بیون. صحاری تحمل و تنغده کسزورک
 راحت نمون. ایلوب بر وجه استراحت. و
 معاشرت قامت. مقرر اولدوغی کونده راه
 سعادت کواه سلطان زردییم. عصای هوسا
 کلیم کبی بر دریای بی کرانی دو نیم. و قلوب مرغوب
 دوی الاحزای اماکن حیرت و عبودیت صدق و مقیم.
 ایلوب شهبازان سرحد روم. و سربازان
 هزاران هجوم کینه دار لر. دشمن شکار لر. بیهوش
 پلنگ آهنگر. کرجک کرجک لر. شیر نر لر. ارگلر.
 فرد لر مرد لر. رستم بنه دلر. نهان تنر. اعدا شکنر.
 آهن بدنر. قوی جوشنر. بلکن پوشنر. دریا خور

میدان غانک لاور لری. یعنی روم ایلی عسکری
الای لای. صف آرای و هیبت نمای. اولوب
بهر بایلدی بردوش. و جرس لری بر صد و خورش
نیزه لری خطار. جرات سیره لری آشکار.
قول قول اولمشکر. صاحب قران غازینک برنگاه
قول اولمشکر. علی الخصوص بر بدر نبیری. و بر
شمس فلک تدبیری. در کنار ایشکره **نظم**
کر مده حیدر کرار در شیمده عمر سخاده بحر کمر باد در اگا
برنده زمره دلدر پایا که دیر عجمی دوشیسی غنچه یون
نثر یعنی ماه سپهر رتبت. و افتاب فلک نزلت
جم بزم. کستم بزم. اصف را. صف آرا. روم
ایلی بکزیسی احمد پاشا. گروه نصرت مشکو هله
هویدا. و شکوه مشکور شوکت کرد و هله آشکارا.

۱۸
اولوب بروجه الای کویستروی که چشم حول
نظیرنی کورشش دکل. و دور دین و ربو کونه رب
وزبوره ایرشش دکل. القصدیدار مسرت آثار
سلطانی. مانند آفتاب خشان. ذرات و آر.
اول گروهی سریق انوار. و سلام عنایت نظامی
ایده کامکار. بیورد قدس کمره بر فوج دریا موج.
و صفوف آلا فوج. دخی ظاهرا آشکار. اولوب
دولت یاز سعادت دثار. عالی رآیی اعالی مدار.
میر میرانان قرمان. سلیمان پاشای کامران.
و عاکر بحد. و گروه مور عدد. اعنی ستمکیندر.
صحرائشیندر. کوه رشدر. دراز سبلندر. عدد
کیشدر. درشت خلقتدر. زن تنگدر. جوشن بدندر.
شکار پلر. باد یار پلر. بیاماندر. قواماندر. منظور انظار

بهت شعار. و مسرور اسرار عنایت آثار. اولاد زند
 صکره روی زمین. اعنی دشت زمین. نزول
 همایون میسر. و ترتیب دیوان. و تقدیم ارکان
 و روشناسان. مقرر اولوب امرای مسیحیانک
 همایونی. و کبراء عیسویانک سرافرازی. که کلر
 اولوسی. چه دلاور لرینک یوزی صولوسی
 قرال بن قرال. اردل اوغلی و دکلری روشن چال
 اعنی قرال استغان. ارشده الله تعالی الی منج
 الایمان. لقا صد اقیقی خاک عبودیت الهی. و رو
 استقامتنی بسط اطاعت آنها. قلوب بمقولله
 انعام واحسان عادت کریمه شهریاران. المومنین
 پای سریر سیر سیره چهره سای. و سر آوار
 خلعت موهبت کشور آرای قلندقدن صکره. هزار

اسرار طهر شعار و آثار نصرت دمار اعلامی و عید
 شرفیاضی و روز چشمن مسرت قرا ایامی
 کدزان اولجی اون کون تمام اوتاع معمر خیام
 و خیام موخر ختام وادی توقف آرام ده بر دام
 قلنوب عاقبت ماورائنه غنیمت و دریایی
 نهایت کبی ریح رحلت حرکت اولنوب طراوه
 صوبی که هر وجه طراوت کواه و آب روی جمله
 میاه اولشدر دریا کبی روان ایکن قوس قرخ
 نشان بر جبر عظیم صراط عنوان بناسی چون
 زینت ساز رواق تدبیر اساکس انداز طابق
 همت مصیر سواد اسیما ملک ممایی دولت
 آباد اقدامک بلند اقدایی من حیث لا یحسب
 اتمام مهام انامی مکتسب بهر بهر بهریت و غنا

یچری اغا سی علی اغا مقدّمی کوندر شش ایدی
سابق الذکر اوسکت کوپروسی بناسنه امر
عالیشان ویرشدی بر مقتضاء فرمان نبرک
درای عالم آرای سترک اول سیل دریا خیل
روان و جسر سیر طاقی بناسنه مهمتینی حیوان
ایدوب ماه چارده مسائل اون دورت کون مهادر
عرض کمال و تکمیل نقصان بنایه اهتمام می تا مال
انکله طولا دورت بیک ذراع و عرضا بش ذراع
بی مظالم و نزاع بر جسر بند و صراط چرخ پیوند بنا اولوندی که
نظم قوس قزحله آبی بریدون انده کسوف
بهم کورسه دیردی بین آسمان و ارض
نشر و باجله دنیا صراطی دنسه جائز فاتحه سندن خانه
عازم اولانکرت و لکرنه اهدنا الله امر المستقیم

تا کجنگ کر سلطان چکدی اول کوپری نجران
 خلی مروانی در کنار اندی کجور دیده دن شمار اندی
 نشر بو حالت بشارت دمار و ساعت مساوت
 شعار ده قوت فایده جهان پناهی و صلابت
 با هر زمان و سگاهی معارفتی تا بحر محیط دن
 اول سبیل بسطه دارد و ابتداء خلقت آب و خاک دن
 انتها اسد آرت افلاک و ارجح تصویر و تخیلی
 فاسد و کاسد اولان امورنا و ره دن بو
 حادثه عجیب و واقعه غریبه سمت ظهور و سبط
 شعوره کلدی که پای تخت علیه محروسه طینیه
 بیانک آهنگر تنین پیکر دریا رو هوپرو
 خاصه قدر غلرندن ایکی پاره شتی بو بخ بوادی
 و دشتی کدزان اولوب اول حیرت عظیمک

کمری منظر نه کلمه اش اساس مرقم بایستی
 کورجی تحسین آفرین بجزینه لکرهاش در خصوص
 شب یا سحر شاعلی نورانی و قنادیل درخشان
 برده کند و لرین طمشتش کویا که اقی و گرن طمشت
 یا نزا و دکی کفار و سیاه قلو لرینه جان تمشت
 شیر و دریا گذار ایسه سر چشمه زلال نبی
 حضرت نوح نبی کبی شتی نشین و عطمت و جلالت
 مکنین اولوب و گز مالکی کبی دریایی و گزینار
 و اول دریاچه کوهر شکاری مکنیت و
 جلالت عبور و گذار ایلد کمری حسیده نظم
 دوی هر سال اول آفتاب اوزره
 در شهر آو چقدی آب اوزره
 نشر محصل کلام جنود سپهر انتقام مرور و نزول

۱۱۷
و عبور و دخول بدرک نتیجه اشکال مسا ورت
و دیرک، دیرک، فتح و نصرت اولان خصار نامدار
و بدوچ سپهر اشتها ر. اعنی قلعه استوار سکوتوار
اوکنده نزول اید. جگه ی کون. اولاً اول مدبر امور
مهور. و متمم هاتم امور. واسطه نظام نام. و رابطه
مرام دوی الا حرام. کریم الشان عظیم العوان عهده
کشی سلطنت و جهان داری. راحت افزای عیبت
رغبت شعاری. امن و امان چراغ غنک و قادی
زمین و زمان استیانتک معنای وی. قطب سپهر
جهان پروری. و محور فلک دادگری. مرکز
دایره عظمت و کامرانی. و سرپرست قرا و جلالت
وزیدگانی. وزیر اعظم و معظم. مشیر الفخیم و مفخم.
اعنی به حضرت محمد پاشا. رفیع الله رتبه بحیث

مایه • صانع قلدۀ آلائی • والائی ولایت نمایی •
 کوستوب بر وجه قلدۀ تریین • و قلدۀ تریین •
 وزیر اسسملین • ایلدیرک اسکف زرینک شعی
 اشوۀ آفتابی نایاب • و بیط خاکک لوا معی •
 کواکب خشنده زیر نقاب • و پروه نشین غمام
 و سحاب و کزن ماعد • دستار پوش اولنک
 اوتاغ لری • پرختوبی عالمی استیغاب ایتدی •
 و ابلق سوار اولانک طلاال ابلقی • خورشید
 تابنده ماورائی سحاب توفقه ایلیدی • **نظم**
 برکرویی اولوب مجوزه پوش • • •
 • • • صوقدی باشینه ارغوان نخلن
 • • • طوتدی سلطان بورکی صحرائی • • •
 • • • کوردیر میر عاشقان نخلن

نشر خصوصاً کونا کون بیر اقدرا چلدی. کویا سپهر

بولتدی پاره پاره اولوب ببط خاکه صاحلدی **نظم**

قرمزی اسکف اولدی بی پایان

طوغدی برج شفقده هر جهان

کیمی شش تو علوشن باش

طور اسکفد نینه کم باش

نشر نینه لر ایسه سرفراز. و شهاب ثاقب کبی شفقده

مماز. ترتیب آلائی. و تزیین عاکر طرمانی

سرحد اعجانه واصل. اولدقن صکره. بنه

بو قولده فرقان. برج سطوت و اجلاان. و مهر و

ماه اوج عظمت و اقبال. مشیران سلطان هفت

اقلیم. وزیران خاقان زردیهم. و سوزان

بلند اقدار. وزیران سپهر اشتهار. اعنی بهما

بوکر فطنت عمر عدالت • فرنا و پاشای عالی رتبت
 عثمان شیم • حیدر کرم • دستور مختشم • احمد
 پاشای مختسرم • اماصول قولده دستور ناوړه
 وزیر شیر کامران • خانقاه سعادتنک پیر پیش قدمی
 و جایگاه وزارتک کاروان مخفی • وزیر خاس
 مصطفی پاشا • لازالت مجتبه عن الحشا • و میران
 بنام • واعظم عطاء ذوی الاحرام • شبه صولت
 پیر حضرت • جنگ افکن و صفکش • مهر کلر کیلکند
 مؤول اولان علی پاشا • فرادا فرادا سوف نما
 و صفوف ارا • اولوب مغفر سر • جوشن بکر
 اسکف پوش • زره بردوش • بیر اقدار • دشمن
 شکار • اولان قوللرنی • و قوللرنی بر وجهت
 میر • و شهرت پذیر • ایلدیر که آن رکو بدن

زمان نزول و ارنج ایلری بربرنه مقفل و
 اطراف شاسه نط کاه شاه جهانده مفضل اولمشدی
 ناکاه برقلو پشه شتار طاهر و آشکار اولدی
 که خط حیات سنی خایر کج خط کبی آب روان حاطه
 امتش و هر جانبی لمن کردابی اولغله مرو اولدی
 یولری بی نشان اولوبتتش خصوصاً برطر
 ساقونستان و بر جانبی عارسان و چکلسان
 اولدوغندن ماعدا ایکی فات پارومان و
 میاننده بر حصار فلک بنیان که حویلی باو
 نظره صعوبت شوار و دخیلی باو قدرت و اقدره
 محال و شوار ایدوکنده اشتباه یوق سنه
 اربع و سبعین و شصتیه محرم اطرا منک یکر سنه
 و تاریخ رومیدن غنوس انک شبنده که

ایام سمومیه نهایتی بوشش • وساعت روز علی
 الحساب اون دورت اولمش • ایدعی ساکر
 جآر • مانند نجوم تابدار • بس زربفت و زین
 و کر باس فاخر و منقشش • لرینی کیوب • این روز
 معارج اعجازدن برتر • و سوزان زرخشت • و
 ساحران مساعدجنت • بیدای شوکت و
 شها مده جلوه کر • اولد فکرندن صکره صاحب قران
 زمان وزمان • سلطان فرمان ران سلیمان ^{نکین}
 مرآیای شکوهره نمایان • و مرآیای حلالت قریله
 مشا رالیه بالبان • اولوب سا برحمت کران مقدار
 و بیشمار رخت زرخار جواهر دثارون • ماعدا
 زرخشته دن ساخته • و هر رشته سی شعشوه مهر
 پرواخته • بر قطاس نورانی • و قسطاس خمر دانه

طقمشکر که هر کورن نکته شناس . بسیار حمد و سپاس
 ایدوب و جعلتار نوراً میثی به فی الناس
 آیتنی رسایل اوصاف . و مدار الحیده اقباس
 ایدر لکن . ناکهان کفار بار و نشیان . بسط
 خاکده بر هر درختان . کوروب آیا آفتاب عالمات
 عالم غبرایه می نمیشد . و یا سه شمه نور و نایک
 بوحرا ده عینی می بولوشد . در دیو تصور ده
 و بعضی عجا قلاس شاه هفت اقلیم . و یا خود
 رکاب پادشاه مرصع و بهیم . میدر دیو فکرده
 و لکن اکثر هم لا یعلون . بل هم فی شک ملعون
 و الحاصل نمره کفار بد کردار . طریق توهم و تحنیده
 خاک را اولو به بنداشی عجیب خواستی
 اظهار . و خوف و خشمی بشمار . امک

صد و نهمه ایکن • اول پیش طام • و دیر ان هر بر استقام
 محاصره امرنی تمام • و اول قلونک جزیره دریای
 استعابنه اهتمام • ایدوب شهریار دارا و آرات
 و تاجدار سکندر مرآت • اول حصار بنا ملک جانب
 شمالی سنده کی محاصره نزول همایون و آرام • یومین
 صکره اول قبله بدکردار • یومینذ وقعت الوقوه
 مضمونی بکرار • و بخارنا ستوده کار • یومینذ این المفز
 فخرانی آشکار • ایکن اوزره ایکن • دستور
 کشورنا • وزیر ثالث فریا و پاشا • و ذوالقدر
 و الاقتال • و مهر چهره جابه و جلال • زال نبره و رسم
 نورد • ملک الامر • ملک العظماء • انا طوبی کلزیسی
 محمود پاشا • ایدوبی باکلر حبست و چالا کلر • بهجا کلر
 و غاکدر • سپه سنا هر • ششیر دستگاهلر • کار

کارزارک صاع قوی اعنی عساکر اناطولی جانب
 جنوبینک غریبی تی در کنار و نیم شمال کبی
 معارک و محارب فضالری کنار اند کلرندن مکره
 وزیر حبیب مشیر نسیب و ادیب پنجه کیم در عا
 وزیر خاص مصطفی پاشا و برادر مهتری و دوم
 ایلی عازیرینک سروری جنک افکن و صف کشا
 دوم ایلی بکلز سی احمد پاشا زیر دستنده ^{اولان}
 عساکر نصرت قرین و سربازان شاه آه دین
 ایله جانب شمایسند دامن پر جنک و
 پیرامن سیر قصد و آهنک اولوب لاسیما
 پادشاه کشور سازدن مقدم واروب قلعہ نک
 جانب شرقی سنده کی جنگستانده ثابت قدم
 اولوب دایره قلعہ ده کی صوبی کسمشدر و سمت آغره

اقيدوب مجاريني خشك ويا بس فلشدر ايدى بوجه
 دخی برقرار و بنیان مترسه خدمگذار اولدقلردن
 صکره جانب شرقی که فریاد پاشایله دم
 ایدی قولتک مابینی در دسکیرلغا بکچری اغا
 علی اغایله گروه مهیب و جنود بی مهیب قدام
 صکره سردقیری اعنی زمره بکچری
 مترساز و رعداواز اولوب نظم
 تهنشک فیتدی سوزان
 کندولر برچاقم قا و اولدی عیان
 بقدر صاعلرینه صوللرینه
 غیری قوللر قول اولدی قوللرینه
 نثر و بوفرتک شتر قینده و فریاد پاشک
 غریبینه غواة بکر دریادی و دریا شناسکر

بی معاوی میسر کار آزموده و دیر بسیار توده
 غازی پیر و شرک قوه ایلی سنجائی بکی علی پور
 و سرحد بکر نیک متازی امراء غا پیشه نیک سرافراز
 پر خاشیا نیک ارگهی بوجوه سنجائی بکی
 بومنه وال اوزره دورت قول معائن و نماز مهرش
 ساز و طپانداز اولد قلدن غیری جنود
 غزاة سرحد و حیوش منصوره لایعد دلاور
 بیچار کرلر جنک پیشه لر بتر دانیش لر قهرمان
 کارلر شبحون کنارلر اعنی بودیم سکری ایله
 عالی قدر ذوالقهر و القدر میر میران نامدار مشیر
 عالی شان بلند اقدار عطا بزمناک خانی
 سخا صدرینک صدر محرمی تدبیر بکر نیک در بکتایی
 ارباب لطف و احسانک انکشت نمایی

انعامی وافر احسانی متکاثر طبع
 سحری صانع اولدی برخط ربع سگونه سپرایی وار
 پاکیزه کورمدی لطفن برغیر ترار همی وار
 ذات پاکیزه ختم اولونچود حدویانی یوق مروتی وار
 شیر میران دانا بدون بکری بی مصطفی پاشاک
 سابق الذکر وزیر اعظم خدیو نیک اقرب اقربا سندن
 داول و دمان سعادت آشیانک شاهن کبی صلابت
 غاسنددر عهدنده ارباب معارفدن مک یوقد که
 عین انعامه لایله ملکه کورمه وعصر نین
 اصحاب طایفدن شی بی فالتدر که انواع التقاتنه
 معارفن قلمه یا ملکه آشمیه حقابرو ذات شریفه
 هر نفسده احسان اوزره اولسه خط عطر نده حضور
 بولونمز و برشان لطیفه که برده بیک همه دست رس

۲۳
بولسه یاطن و ظاهرنده سرور کورنفر حق سبحانه
و تعالی اول وجود پر جودی معمر • و چراغ رفعت کوندن
کونه کون کبی منور • و نور دیده لر پی نور غت و کسکه
النور ایلده • و عمو ماعا کرممانه سلیمان پاشا
قرال ضالک سمته معایل • اوسون بلوا دی اوکنده
نازل • اولد فلرندن ماعدا • میر لواء علیشان •
کوستندیل شجاعی بکی محمد خان • سکواره جاری
و مرد و عبودن عاری اولان ریکیه نام بیا فلوصوتی
کچوب قرنا دپاشا نک ماوراسنده • و بویو فی طرند
احتمال خطر اولان محاری و بیداسنده • قراول
طریقده گشت و گذار • و کندولری کارانموده بیکار •
ایدر لکن بوجابنده کفار خاک • بروج سکواره
بیوآر • حضورا هر برسی خاسه و خائب • و یقظون

من کل جانب • لایسما هر اسیر یاری غالب • ولهم عذاب

نظم کوره لم عاقبت کار نولور

اهل اسلام کهار نولور

یا چسون اول شاهجهان اُحیات

دشمنون روی زمینه ظلمات

جلس رابع ابتداء جنک ویشکار وازویاد

کرمیت کارزار خصوصاً فتح یاروقان و نغمت

کافران بیاننده و پرتو پاشا خضر ترنیک

جنگی و کوله قتلوه سنده اهنکی اعلاننده در

پخوانین هیجا بیایان رسید صدای شپوری عیدان رسید

هر بران مرد اکن پیل تن دلاوردلان تهن تن بدین

همه کار سازان رسمش مین بندشان یکدگر استر

ز رعد سیمکین برقی دسیل ز مردم تی همچو کردون سیل

چنین کرم شد و دوگاه بنزد نه دیر خج پر آن نه در خاک
 ننه بو متوال بی نامان • واسلوب غلامان • ایل
 آتش نشان • از درد نان • رعد فغان • برق
 نشان • شرکستر • ثعبان پیکر • صف شکن
 بنه دافکن • جنگ جو • پر خاشخو • بی امان •
 جان ستان • دور بین • آتش نشین • مرغدا •
 آهن قبا • ضرب زن • حرب کن • طویر • پراشویر •
 طعن طاشکرتی پرتاب • و بروج قلو خرابیاب •
 امکه باشیوب رعد اندازان بی مر • فیتل مار پیکر برنی
 پر شرر • خصوصاً پیوه جهادی سوزان • و کبریت
 حرب و ضرب و کشادی • شعله ستان • ایلوب کفار
 خالین • لعنهم الله الی یوم الدین • هر اس و بیمه
 غمناک • و فراز قلو ده غراب سیه کی بهیماک •

اولوب صانع و صولدن • و با جمله سر قولدن ضرب نام

و حرب خسارت انجام • اید کفره مغنون • مکتوب مغنوم

و محزون • طوطی کلش مسمون • کبی حرکات بی مان

و آتش ندامت نیش آشتعال • اوزره ایکن ^{نقطه}

روم ایلی سکرینک مردلری • کسپی نغره زمان کیمی جری

کوسه و ب قوت بازولر • اغرد و بیده رازولر

جان اتوب قلعیه قرشوهر مرد • قلدیر طوطی قلعیدر

^{نقطه} علی الخصوص متر سکرینه مخاری اولان دیوار •

اوج قات حصار • و بروج سپهر برین کبی استوار •

اولوب پلن ابدار • و اشجار و چمنزار • اید بنی شکر

و زنک فکرت حرب و ضربی • مراپای طبیعت کندن

سلسله • حقا بروجه حکم • و مشید و حکم

اولش که وارن طوطی طش پاروقا تنی کچه مرز

۱۲۵
و عادت مالوفه سی و زره اقامت جنگ و جدال و
چه مرزوبی • حتی پارو فان مذکور کت قدی طولا
اون ایکی ذراع • و عرضا بش ذراع و ن زاده
و لوب ماکن مهمه کفره • و ککن شیده
خجره • درونی استوار • و مات مات حصار
ایلیوب بواستحکا مدن کرگی کبی اطمینان بولر
و لوکنتم فی برج شیده فحوا سندن نادان
و غافل اولمشلر • اخلاط سطوت هببت
خسروانی • و مهابت صلابت سلطانی • سندن
اربع و سبعین و تسعایه • محرم اطراف منک بکر
البتی کونی • اول عمارت ملاعینی تالان • طوش
پارو فان زدن خواه ما خواه کر نران ایلیوب غایبان
شیر جنگ • و دلیران اردشیر اهنک • اغنی ورم

ایلی عسکرینک سرفراز لری • و مخارب و معارک
عرصه کا هکت سراز لری • مهاجمه جم غفیر • و مجاوله
جلادت مصر • ایله بزنگاه خرد دن یاد لری • و اول
حرکتی خور یاد لری دن الی یوز نفر کافر کی شسته
و طش پار و قاتلری یچنده پشته پشته • قلوب
الکریمه خاما لری فی باقدیر • و باعث اطمینان اولان
کین کاهلری نه نیت آتش بر آقدیر • لاسیما
کوه فخره ضالین • خایفین و خایبین • فاصحوا
خاسرین • علی ما فعلتم ما و مان ^{نظم}
آیت فخر ابد اور بو جنب فسادن عطا دور
اغلسون قاتل یاشد و کوفار خیل یاریده ماجرا دور بو
نثر اما و سوردانا • من افلمت • وزیر
ثانی بر تو باشاکه • بادشاه عالمیه • خط الله

انجم سپاه حضرت نیک پای تخت سینه محو
 قسطنطنیه دن توجه های یونانی واقع اولمردن ایکی
 کون اول که روز دوشنبه ایدی امرایشان
 و فرمان طغرتانلری مقتضای سربازان
 دشمن شکار و سپاهیان شکار اعنی زمره
 علوفه جان بار و دلاوران شجاعت قرین
 و بهادران شهامت بهین فوج غبار بهین
 و تفک اندازان و هیجاسازان هر بری بکرد
 و جری ایکی بیک نفر بچری و ایصال
 بمقدار عاکر نفرت مأثره پاوشاه جم جناب
 درگاهندن مفارقت و فرمان جهاسانان
 اوزره کوله فکوسی فحنه غمیت ایلشدر ایدی
 بعد ازان دشمنان تیر انداز و برکیه پاران

۲
ایلعاریاز سواران پیمایان و تاراجیان
وادی نوردان اعنی تاراجان طرفین کلان کر
نی کران و سابق الذکر کرنی بنی اردل و طاعت
و انقیاد و محمل اولان قرال استقامت ایلده خورده
اطاعت کران و افلاح و قره بوزان طرفین
قازقلر و دوده لر و یوناقلر عموما پرتو پاشا جناب
هیچا کران و فرمان بران تعیین اولند قلربدن
غیری شجاعت شعار شهامت و تار میه میران
و مشوار مصطفی پاشای کامکار ایلده زبردستنده
اولان غزاة جنگ آموز و دیران هیچا فوز
سربایای موکه آرای اولوب کوده قلور
فتحیه مرسس از و بعض قلور و برجلر کرفتند
اساس انداز اولد قلربدن ماعدا

۹۱
کرم اولوب طرفه تشبک اوتن تشدری لوب و تشک
تیر لر خود کمانده بدهن نه پیرن دوزنه جوشندن
شمر والی اسل عا کر صاحب قران زمان جنود
بی کران حضرت سلیمان کبی جوشان و حروشان
جوق جوق خدنگ اندازان و طرف طرف خنک
سازان اولوب کثرت خدم و ششم و وقت
دیران بنی آدم دریا مثال اول طرفه
قرین غوطه و خیراب تشدی و کره زمین او طوفان
قیامت نشانه بی نشان اولوب تشدی
فاما استدعا، فکر و عقول و اقتضاء کثرت
نفس و خیول موجب محض قحط و غلا و ضد
وفرت و غنا اولوشن اکن اول وزارت و قیامت
مقامنک صد ری و عدالت و دیانت سپهرنک

عالی قدری استقامت بوساستک سز و کلا

جلالت و جلالت هشت تنک طوباسی تدبیر

فلکرنیک آفتابی تبشیر فلکرنیک کردون جنبه

باعث نظام هفت کشور منتم امور تحت و افسر

سری سراه ملک رسم نفی ثقاته شاخه مخدوم

وزیر بیکر کشور آرا سی رسول حجی وانا

نشر اعنی حضرت محمد پنا اللهم این کجاست

انار فخط و غلابی غلا و اطوار رنج و عنایتی

محض غنا بیورب ^{تسم} تدبیر و لذیر غنا و پردی سکره

زاد و زواده بحر اولوبن اقدی سریره

آلبر برار به اغسری غم غصه کور مدک

حاک غلابه غله وار به پوز اور مدک

اولدی ذخیر رنجی کبی قحط بی نشان

مکه دهنه

۹۸
کسده خیره ز محنتی حکیمی عیان **نشر** بوندن ماعدا
ترتیب آلاهی **•** و تزیین عکاکر نفرت اراک
خصوصند دخی تیره کمان همگلی شهاب ضریا
کبی سماء اسمائیه و اصل اوش **•** و شمشیر
قبضه شجاع علی آفتاب سحاسنا کبی بیداء
سپهر بتلرنده امتیاز بوشش **•** ایدی بوشش ^{اسلوب}
نامسلوبه جنک وجدال **•** و عرب و قتال **•** اوره
سنة من نوره صفر المظفر تنک و وردی کونی
دخی رایات فتح و ظفر **•** قلل و کثرت و نطردن
برتر **•** اولوب باروی باروت فشان **•** ایچ پاروان
دخی عاکر اسلامه سحر **•** و دساکر بی قنایر
کبی زیر و زبر **•** و بیط قهر و تبار **•** برابر **•** اولوب
روم ایلی عکری بندن هزار نامدار سوباشیلر **•** و

بشمار پیکار گزار و برناشیلر • طوپ و تفنگ
 و سفاکوس و زنبیر کردن • دوشدیلر • اعنی که
 اول سفر طغرائی • و مهاجمه • هجاکر زده • شهادت
 یوللری آتشدیلر • زیرا عاکر دکر کشتا
 نفر هم الله تعالی • طغرائی • فرزندان طایر عداوت
 و تفنگ هجاساز • قلع • منوره • پارو • قانلری
 کرفسار اولور فالور دی • نشیمن کهار • و بیلر من
 فجاره • انجی صداردی و پرتو اکی و اصل اولور
 فاما زمره ملا عین • و کفره شیا طنیک بخش برقی
 بخش • و طوپ و تفنگ آتش شلری • لابد
 بر دیر پیل بدنه • و بابر شیر مردم سرو تهمین تنه •
 راست کلوب سرو جهل آتشدان قوتلری کرم •
 و عاکر منصوره نک یوریشی تابش مهر نک

بر مقدار نرم. اولشدي. آخر کار جنود جرار. مانند
بکار دختار. کرمیلرني بی نشان. و آتش دران کرمیلرني

مخض دختان. ابدوب ایچ پارو فالرني دخی الدیلر.
و هزار خوریاوک فانی بیط خاکه صایلر.

نکات اولنورکه اول فروء ضلالت و فاک

رئیس. و ایلر علی اللعنه مک هم مکروند لیس.
قرال ضالک معتقدی. و نیران چیمک، فخلد

رأس فتنه و فاد. آتش افروز خرمن عباد

قلوب کتوارک بانی. سراة اشترانک کار دانی

زرنسقی دوکلری مروان. علی اللعنه. و خندان

که ستنی همیشه بتمش. و دندانی خاک ریخته

بتمش. ایدی زعم فاسد بخ تدبیر. و زعم مسلمینه

بذل و بسطی کثیر. ایلویوب بر جابنه کلچ کلچ. التون

و خوش • و بر طرفنده کیسه یی • و فلوس منقوش •
 قویوب کفاری • و بخاری • و بخاری • و بخاری •
 زمره سندن بر دوش بر بی دراک • که روم اعظمی سکرینک
 بر نی زخمناک • و طوطی تفنگ • و شفا کوس و زبرک
 ایل هلاک • ایل پند بی کران • و تحسین فراوان •
 ایدوب التون کسب • آچر دی • و اول بکر دارک
 او سته دست انعامه فلوری صاچر دی • فاماچین
 جنگ و هنگام طوطی تفنگ • و قویوب سندن بر نی اوست
 و یا خود بخاری طایفه سندن بر نی نعم ابر کور •
 اکرام بالغ • و انعام بالغ • و انعام بالغ • و انعام بالغ •
 لایق • و انعام واحد • و انعام موافق کور و دی •
 لکن چن که شکسته تنگ • و کسسته خوشن • و انعام
 هلاک و زخمناک • و انعام طوطی سکرین • و اول سکرین

دلاور لرندن. اولسه راه احسانده تروود. و سمت ایشینه
 تعذ. ایدوب زحماکک ناتوان. و کارزار
 مهابدن کوربان. درویدو دم اولور که فلس اعمالیه
 کورترین بویارشش. و گاه اولورش که افس
 و ائلا قدر دیو همتی دروغ طنارشش. بو طریقه
 عا کر منصوره نک کمان و مهانی. و هر بیک
 معادیر و مرتبشانی. معلومی ولدوغنی اسلام
 و رسم سمایی بوسمه اتمام و افهام. ایلر ایش **نظم**
 لعنه الله علی احسانه و علیه و علی اعوانه
 ارته برکون کوره حواله لور **سیم** زربایی قاتل لور
جلسه خامس خان کیتی سنانک انتقادی و قلوب
 سکوارک فتح و نصرت مائی حضوصا وزیر
 اعظم حضرت **بینک حسن** تدبیری و صوت **مانمک**

ایمن نذار کله کتم و غییری بیساننده در

بر شب که انجم آسمان. اوراق خزان بگی سر

مینا نغاده پریشان. اولشیدی. و آفتاب دخت

نرگس زین کلاه بگی سبزه زار غبراده مرش

صوشیدی. حصوا فلو، گوهر نرگسین ضیا.

عاکر بنجمه سیر. و بقوه حبش زین و جا.

کوباکه سلطان رومه سحر اولشیدی ^{نظم}

لباس مائمه کبر مشدی آسمان و زمین

بهار دولت و شادی مرش ایدی همین

مکرطوشش ایدی کوزون آفتاب هجیان

فرشته دشمنش ایدی رد و غلبه بر خزان

^{نثر} ایام خزان. و هکام خرم سرانندن سنا

و سبعان و شعاعه صف المظفر نیک بکرمی

ایکنجی کوننک بک سی طوزنجی ساعده صاحب
 زمان. یوم یاتی بعض آیات ربک مرآتیه نکران
 ولین الملک الیوم. وادیلین سکرودان اوکو
 ضعف قولری غایتده. وقوت ضعفی نهایی
 رحلری کنسیریه غالب. غریبیری قاسترینه
 حاجب. کفار بدکردارک خلاصی فکریه غناک
 دعا کر منصور غریب و بی کس فالدیلر. دیو
 هلاک. وروزیانی. وجانب و آجیه تسع و بی کس
 و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً. وکلون
 بعضهم لبعض طغیراً. فحواسی ولد غنیدن اعدا
 همای عالم روحانی که بویجه یلکرا شپانه بدتن
 قرار ایملکی خوش کور شیدی. و بچه دملر فضا
 اعلا ی سلطنت و سعادت کسب هوای مردانه

کونا کون صفای سورشیدی • اول تعلق قدیمک موافق
 موئل انقطاعی • و اول تشوق سدیدک اعراض
 بدینہ دن اعراض انتزاعی • هر وجهی و شوار
 و پراشکال • و شاخار وجود و زندگانی
 کہ آب روان روان • و جو بیار سر جابودان ایل
 ماه و سال • باغ و راع ملک بدن منتظر ^{الحال}
 و اخذ طراوت و لطافت مرزہ البال • اوشدی
 نسیم فنایک خوانند • و رور کار بی وفایک
 اقرآنند • رضاسی • خصوصاً اجل بیمارینک و دینہ
 وامل کر فایرنیک آہ سر دینہ • رضای خاطر
 ابداسی • باعث ندامت و حسرت ^{نظم} اوشدن
 مردش جهان پیمان جان پادشاه زمانہ کی سرد
 عالمی را گرفته بود و بدل رفت تا عالم دگر کرد

نشر حاصل کلام سلطان عالی مرتبت و صاحب
 قرآن سلیمان مرتبت جناب حضرت تسلیم
 و دلیعت و تقدیم امانت قلوب بتبانی ملک
 الانفسی فحوائسی نمایان و علما و علمای
 جنت نشانی دیده نادین ابد کریان ابد کرم
 حال و فرمان ناکفته و بسیار شریفه کرمی
 ابد و کی اوزره مدبر بی نظیر مشیر کرم
 فراست سر پادشاه جهانک صادق و زار
 عظمی مقامک هر وجه لایقی آری و ان کرمی
 دل سر و بوسمان کرمی طوغ و لغه مایل امور
 مشکله تحلیلنده ممتاز هر جهل راز دار و صاحب راز
 اعنی به شکر اکرم کریم الشان وزیر اعظم عظیم
 العوان مشکلک و تدبیر غا حضرت محمد

پاشا جنابنه جو بکریاچی و جان و دل ملکنه آتش
 براغی خبر لر و اصل اولدوغی کبی کوکل کوزله
 کریان قلب دلی ایل مالان اولوب بویجه روز
 التفات عالیسته سر اوار اولدقزی پادشاه
 بلند اقتدار اجل هوا سید خاکسار و کل
 کبی پریشان و نارمار اولدوغنه بر مرتبه و غمناک
 و بر درجه ده کریبان چاک اولر که تصور و تحیل
 اولوغز و بونک کبی مامک وادیسند غمدن
 غصه دن صبر و تحمل پر لر بولوغز لکن عا کر
 اسلامک مذا رکی و کهار بدنامک قوت فایده
 ایل نهالکی علی الخصوص جمله ولایت رومک ضبطی
 و آل عثمانک سلطنت و خلافتی هکامتک ربطی
 کدورک فتمت همکرنیه فرض بلکه لازم الادا و حق

اولمغل فی الحال طبع شریک زنده مندیج اولان
 تدبیر و تدارک کوه سرلر نی بربر و جوده کتور دیر
 و کند و لر کتم اسرار شبهه و استاردن سبرا
 اطارد اسکندر اولوب او تور دیر اولابو سره
 واقف اولان ایچ اوغلانلار نیک کمینه خوف
 و خشیت و یروب و کمینه لغمد سعادت و نصحت
 بیوروب بو واقعه ماتم شعاری بر وجه استار
 ایلدیر که بر فردک دین توهمی تصور اولدیرن
 یاش دو ملک سیر اولدی و بر کمینه نک
 زبان تکلمی بو حکایه دن خبر دار اولدو حال فرصت اولدی
 دل اغزویری بو حادثه دن و لدر اغزه خسته حال اولدی
 دله جان سولیه یک دله فر شولیه محزون و بی حال اولدی
 هر قویق اولدی بنده خشیت سوز ایشیک قی حال اولدی

و باطله درون و بیرون هر برج او غلانی ملول
مخزون اندایوم لا یطعون ولا یؤذن لهم فعدون
مصدق بی زیاتر ایله هم سکون و خوف و
خسبت گوشه لری غمناک و سرگون اولدولر
صکره اولدولر شاه غازیک نور مخزن اولان بدنه
و هیکل لطیف و کل پیرینی اویاغ ایما یون
مدفون و دینه لازم الصیانت صفتند
مخزون قلوب رسم و دین خاک ریز و طلسم
امانته مسک اینر اولوندوغی حال بعض حالات
تا دیده و عبارات ناشینده مدارکنده
اولدولر که محض الهام ربانی و عین انعام بجا
ایدوکنر رب استبناه بوقدر حتی و زراعت
رای و رفقاء کشور آرای و فی مرحوم و مغفور

94
موتدن. و رحلت و غمیت و فوتدن. برو جملہ
خبردار اولیوب. و ایما سلطنت حیالہ کامکار.
و عادت مالوفہ لری اوزن خلوت خاص لرن
برقرار تصور ایدر لردی. بو حالت بر ملا شدہ
عاکر منصورہ. خصوصاً امرء مأمورہ خوف
و تہدید لری صادر. اولوب لار دولت دیار.
فتح قلوب سکوتار. بوانہ کلنجہ دشوار. اولدوغنیہ
سر بریزہ ششم کار. و تفریح شعار ووردیو
یا قوم اتی اخاف علیکم. فحوا سنی ندکار و نگار.
انمکله. و ما بفعلد امارد کامران. و اسباب خاندان
اولان زین اکارم. کرنیہ افانم. رفیع المراتب.
منبع الجوانب محرم اسرار لازم الاختاف. بوندن
افدیم بکیری اغاسی اولان جعفر اغا محرم سرم

خاص. و تفاوت خدام خواص. اولوب صاحب قران
 مغفور دست خطه شاکل. و آیین کتابت
 و عبارتیه مماثل. خطوط انشا ایدوب تذکره
 کوندر محکم. و مرآت ذات شریفه رنده اشکال
 مائمه و ملال. و احوال فحرت و انفعال. بوجه من
 الوجوه کور نمک. و مهم اولان مناصبک نصیبی
 و لازم اولان خدمات دیوان. و قرائه عروص
 تشبیهی. زمان صحت پادشاهیدن قوی
 سوزیکل. زنگ شبهه دامرا. آئینه تصویر لنگرده
 تا پیدا. اولوب کما فی الاول. مهاجمه و مخاصمه
 و هنگام معاند و جدل. مرور ایلین کولردن اجمل
 اولمغین سنه مزبوره صفرا المظفر نیک بکرمی
 ایکنجی کونی که تاریخ رومیدن ماه سبتمبر سک

۳۵
کونی روز پنجشنبه در الدین بجاد لون فی آیات
اللہ بغیر سلطان فحواری اشکار و نمایان
اولور کن ایچ قلو دخی فتح اولونوب و ما النصر
الآمن عند الله مضمونی سر لوحه فتح و طهرده
قرأت اولوندی و صحیفه بشاشت غزاة اوله
فاخذنا هم اخذ غزیر مقتدر آب سے
اقلام سیر فله یازم نشس بولوندی **نظم**
زاوا از شمشیر بولاد بر صماج شهنشاه مغفور بر
شپاشاپ تیر حکما کانت چوبی که نابیاران مرغ
بسی نجه اخون بدر باشد زمر جان بسی شایسته
تکلیف اولونور که چونکه فتح و فتوح و متون موک
حل و شروح مست اولوب ساحه قلوبه کرد
ونشانه مرام و مقصوده اوق کبی بر لیدی فتنه

بیدار معنون خرمندس و کلری ملعون هر و جمله
دلریش و سپیدریش اکن غیرت جاهلیه
الدين قوموب بر فاج دفعه تیر کشی الی
آلندی و او قلو طو کوز بهی خنر بر خانه سندن
طمره چوب صورت جدال و مهابت بی
مائله اطافی طالندی حتی پنج غازیله زخم ابرو
و پنج دلاور لک او سینه ات سور و ب
کرکی بهی جو آنکر و کجایینی حرکت طهون
کتور دکن صکره خواه نا خواه غازیلک
چومندن کریران و قرارگاه سابق طفرینه
شما بان اولوب سیدی آخو لام میدان
کارزارک سر بازی اون بش نفر مقدار
غازی ملعون مزبورک و زرینه اعنی جاکاه

مقررینه کیم وب کور شکر که بر مصنع کرسی نک
 او شنه چو کشش. و اطراف و جوانه وافر
 اچی والون و عروشش و کشش. سوسنی
 اطلال را یله کند و بی طوئمشش. و حرات
 و التها بندن سوسن کبی و لنی طر و رشمش.
 چو که غزاکت قدومی. و سفک خوند و جونی
 بی شیره معلومی اولمشش. صورت استقبال
 و انواع عزت و اجلاال. ایل قرشو کلوب طوئمشش.
 و کند و الیکه بنجا عن سگون ایدوب بهیرت
 و تدارک خلبندن لعلمشش. اول آن بر غازی
 سرباز. پیکر ضلالت سر شنه تفنک انداز
 اولوب دل و پرانی کبی بسروح. و قلو مینه سی
 کبی شروح و مفتوح. قلعه سمر تراشیده سی.

غزاقاننه پوئشس. ولاله خزانده
 گویاکه سرخواه قیادن مکرار او پوئشس **نظم**
 یسغ تیرنگه کسبش بانشی فانه غرق المیش اول او باشی
 دوزخه یا نمدین اول دوزخه قبول انکره دوشش بدنی
نظم چونکه فلو، استوار. فسقه نیا استوار دن جا
 قالدی. وزراء عالی رای. دعا کر نصرت آرا
 ساحه عظیمه. وقواعد قویه سنی لغزجه کلدی
 میاننده کی کنیه مینه که حصن حصین. و فلو
 کوه سرکنین. و نلسه جازایدی. میدان غرائک
 سراندازی. بشمار اهل اسلام و فارسی
 بام نخوست مقام من کهن دولری جلوه کر. و اطراف
 و جواننده صرف بهر **نظم** سر. فلور لکن ناکهانی
 قضای آسمانی. واقع اولور دیر منده کی باروت

۸۷
اکتاف فلو ده کی آتش بقیه سندن طوشوب
بایندی و آرا یک ملا یک جبروت اول آتش
فرز انک دغان سیا هندن قبیره بویاند
مخصوصا بامنده بولنان غزاة علودن نزد بایندر
عروج و مخارج و ابراء شردن جنود له
خروج ایلوب سرفرازان هجاساز دنیا
دینده و فی پند پرواز و اخیری ده کی اعلی شانکر
بواشیا نه خاکدان ده بله شاهد و ممتاز
اولوب برخسارت قیامت اثر ظاهر اولدی
که لا عین رأی و لا اذن سمع و لا خطر علی
قلب بشر **حکایت** اولنور که غزاة شانانک
سرافرازی مرحوم سلطان سلیمان خان غازی
بوعلی و شرح و فتح و طرح مستر اولمزدن اول

خاطر پهلوی مغیر و فتح و فتح زمانی مستد
اولدوغند مکرر اولوب وزیر توانا مشیر ^{برو}
صدافت پیشه شجاعت اندیشه ناظم الامور
حاکم الجمهور ضابط الممالک بالفراست الشامله
رابط المسالک بالولایه الكامله عکرنواز دانا
وزیر اعظم حضرت محمد باشا جانبند دست خطریله
همایون تذکره بلاغت نمونری واصل اولوب
مضمون مرغوبنده شواو جافه یانه حق دخی التمرنی
و ممالک غزا و هجاده فتح و فتح کوسلری
چالتمرنی دیوبور و فلری جلدن و عالی سموع
جناب کرد کار ورجالری مرفوع خالق حبار
اولوب اسم الذی هم یابندی شکوفه زارد عوتکر
نسیم جابلد او یابندی غب فک حضرت

پاشای کاروان. عا کر مضمون مک شبهه لرینی
 بی بنیان. و ذات شریفین مرکز اولان ^{سطوت}
 و صلاحیت نمایان. ایلوب وزیر خاص مصطفی پاشا
 و روم ایلی بک کبرسی احمد پاشا. عمو مازیر دستده
 اولان عا کر نامتاهی. و ایکی بک نغز کچی
 و اغارید بر ایکی بک سپاهی. کوندریلو ب قلع
 سکوارک دلی. و اولاد آدیله کی قلا عا ^{مسکله}
 اولان بو بو فی دیکله شهر. فتحی دشوار. جبار
 نامدارک. سکوارده مابینی بر بو چو کونک لولدر.
 فتحی چون فرمان پادشاهی شکنده. امر عالیشان
 وارد اولدق. اول عا کر جوار. مانند جاذخار.
 بی کران و بی کنار. اقطار کذار. و دشمن شکار.
 اولوب سده اربع و سبعین و تسعمایه صف المظفر بک

بکر بی طهوز بی کونی که روز جمعه ایدی. توبه طهوز قیله
 کتدیله. ایرته سنی مقصد اقضا اولان سمنزله
 بیدیلر. دخی کار ساز جنگ. و آت نالیدار
 طوب و تفنگ. اولوندرین حضرت پاشای
 اصف رانک حسن بدبیرتی. و صاحب قران
 مغفورک توبه روحانی. برده همان اول کجه
 قلو، بوبوچی. بوم پوشی. فالوب جمیع خور یادکر
 و کفره ناسا دلری. باشلرین الوب فاجدیله.
 وزندان خوف و حذر ده مجتب اولمشلر. ایکن
 خلاص و صلاح جانب لریه بول جدیدلر **نظم**
 وزیر عیال اولان پادشاه و نیک ^{اولور} مایه حال حیاتی گبی مظفر
 صداقت الیچک پادشاه برتور ^{اولور} سوزینه فتح و طهوز قیله
نشر بومنوال و زره سولت قلو تری الدیلر

و دورت کون این قرار ایدوب لازم التعمیر اولان
 برلر نی اتفاظ عمارت قلدیلر. بعدزان رای عالم
 آرای حضرت پاشا. دادای پاشا و اولرین جلوه
 نما. اولوب مردمان حصار. و حفظ و دزدان تعیین
 بیور و حفظ نام مضبوط. و سرشته تدارکله
 مربوط. قلندقدن صکره جانب سعاد و نکرده
 غازیله. و عاکر حضرت پاشا. فرمان پادشاه
 و امر لازم الادغان شاهنشاهی. در دیو حجاز
 عالی لری صدور بولوب. اول کونری قانقش
 و لیرلر. و اول پنجه لری غنرا قانز بویانش شیرلر.
 کجا و هیبتلر نی سوار. و کجا بوی مهابتلر لک شکار.
 اولوب بلوک بلوک فراوان. فوج فوج نمایان. فرق
 فرود کرازان. زمره زمره شایان. کهارنا اسوار.

جویان اولوب کتدیلر. بزرینجه نام مارفانه که قراک
 ضالک مخافه سی ایله انک مخافه سی مایه
 قوچی بورپشی ایله بش کونلک بول. و قوچ کتدیلر
 غنیمتی ایله قریب الوصول. ایدی ایقتال غنیمت
 ماللری میسر اولوب ککری کون دینچه پنه مسرت و
 بشاشلده برو جانده عزیم ایدیلر. خصوصاً اموال
 غنایمی عاشق ک محسندن زیاده کونور دیلر. واساء
 بی محاسنه جفای معشوقان زمان کبی نهانی
 کونور دیلر **نظم** آتله قالد یانوی از قالدی
 برکدن ایکی کلدی اوج کلدی
 کورمدی بویله آتله یی دانا
 کیمسی هشت باکیمی ده پا
نثر بو غنیمت دکشا. و نفرت مسرت فرادن

۱۵۵
جنگ از و فکوت ش. سابق الذکر پرتو پاشا
طرفلرنه دخی فتح و نصرت. و اخذ مال غنیمت ایل
برج حکم. و حصار حکم. اعنی گوله و دکلری قلعه.
ویاکی او و طلاع غوشش نام ایکی یاره قلاع مرتفعه.
فتح اولسوب فاما اولتا ریجنه عرات سجاغی بکی
اولو غنیمت بنام. و دسیران هنر بر انتقامک
سروری. بلکه اول کرده نصرت شکوهک
کون کبی بلند خستری. اولان یحیا پاشا نور الله
مغجو اولاد نیک کریم سی. و جمله اکابر عظماء
و روشناسان و بلغا نیک پندیر سی. بالفعل
استونی بلغا دی و آری محمد بیک که **نظم**
دیکچی نظم پاکه مالکدر معرفت پوللرین مالکدر
لطفی دریا سی که کرسیدا کورینور ذاتی بر درکت

کرم من مکشون درینج ایده تر **قبوسن** دست حیف برکیده
 شیی کلدریننده دها **طغیر** صانکه خاکی بادوسبا
 خلص دانی کم **و صوبدر** هر سوزی معرفت **اصوبدر**
 سوزی کو هر سخا سنی یادور **کورمین** آنی عین اعمی در
 لطف پاکدن او کرونوب احیا **اولدی** بزمنده مغشتم
قشر رای بی نظیر **و تدبیر** دلپذیری **مقتضا** بخ
 خصوصیات شریفین **مرکز** اولان **شجاعت**
و شهامت **مسدع** **عاسخ** **ویره** **ایله** **قلوب** **دخول** **و بره**
بلند پرواز کبی **برلوک** **غراب** **روسیاه** **ایچنه** **نزل**
ایدوب **ال عثمانه** **و خاندان** **حبان** **بنانه** **اباعن** **جد**
واقع **اولان** **و فرت** **اخلاص** **و کثرت** **مناجبت**
و احتضا **صلی** **موجب** **اولان** **کفتار** **نیک** **تأثیر**
و محض **ارشاد** **و تدبیری** **ایله** **کهار** **ضلالت** **ماثر**

۴۱
ویره ایله قلو دن طشره ظاهر اولقد **نظم**
کیردی میدانه تیغله اولدم اولدی عدا و جودی عین **ع**
چاق شو کلوقلدی شمن دین قانه غرق اولدی یرون دیم
نثر حتی بوجنک و جدال • وهنگام قتالده موی
ایله محمد بک کهار خاک را مابینده بویونوب •
کنده سی و فی زخمناک • اولوب انواع عواطفه یز آزار •
اولدقن صکره قلو غرنوره سلک حکومت
پادشاهیده ظاهر • و ملک سلطنت شهنشاهیده
باهر اولوب نامه مسرت اثر • و حمایه نصرت و ظفر •
فرلری و اصل • اولغز کلانی ط باعث • و فر **ح**
انبساط سبب حادث • اولدقن صکره راک **ر**
حضرت پاشا • صورت فرمان پادشاهیه هویدا •
اولوب • قلو سکوتارک عمارتی • و خراب و بیاب

اولان یرلرینک اقامتی. خصوصاً نصب هر سه
 و میرلوا. و ضبط و صیانت محاببت نما. لازم و
 ایدوکی آشکارا. اولوغین. دامن همکرتی
 در میان. و قوت و قدرلرینی مشارالیه
 ایدوب. بوهمی دخی اتمام. و قلو، قلوب، تعمیر
 و حفظ و میرلوا ایدو عمارت انجام. ایدو میر
 پس صاحبان زمان علیه الرحمۃ و العفو انک
 ابتداء سلطنت. و اوایل خلافت لرنده صادر
 اولان خسارلری. کس فتح قلو، بلوغادور. اول
 حرفی با و انتحاء جلادت و صلابت. و حال
 و غنمت و شها و لرنده. وجوده کلان فتح
 نصرت آرالری که اخذ کتوار. بولا و دنیا و
 اول حرفی ^س اولوغ تا نف غنی حبابدن

بسن لفظ اشارت لاریبی در واول ^{بند} ^{فلک}
معدا آخر ^{فلک} که دال ورا در ترکیب اولینه
کلام تام و بس در لفظ اشارت است
انجام در وهربری که التیشیر ^{مکتوب}
و جمله سیاون یکی برج حبابی اوزده محسوب
بیلک اون یکی آغی ترالینه و بر ^{سلطنت}
و خلافتده آفتاب کردون کبی عظم و انما لینه
و سبیل مرغوب ^{دور} بونم چوق نکه وارد رای دانا
حقا بود کرا و لوانان خدماتک اداسی و بو
آنه کلنج صاحب قران مغفورک اخفاسی ملک
اقدمن دور آدم و دور آمدن تا بودم
کلنج برو زیر دانا میر ^{را و} ^{لمشدر} و بر
دستور کشورکشا پادشاه معدومک نامیده

بوکون فرجه و حضرت فطرت بوم شد در اول ذات
 شه بک فرست و صداقت ندن و شهادت
 مغفورت کرامت و ولایت ندن در که دست
 تقرب حضرت پاشا لشکر نواز و کشورکش
 اولوب کویا لک متواضع خشیت ایلد دلگری
 برین و بینا لک روعیال دهشتند
 دیده لری پوششید اولدی
 و عیسون کسه و زارند ر بو
 یا ولایت یا کرامت در بو
 حق بلور صبح کبی صا و قدر
 دو جهان دولت نه لایق قدر
 فتنه دن صعلدی عثمان تختن
 ویرمیدی بیک سلیمان تختن

۴۹
حق تعالی انی سرور انسون
ایکے عالم مع معمور انسون

بہترین سر نہ ایسہ مقصود ہے

ہیج دریغ ایسوں معبودی

نور عالی قولنی شاد است

قید غم بندہ آزاد است

عزم اولیٰ دعا و عالم

ذات پاکینہ شاد عالم

مجلس سادہ پادشاہ زمانک ابتداء سلطنتی

حضرت سلطان سلیم خانک اعتلاء خلافتی

خصوصاً عاکر منصور نک غریبی و خان

کیتی ستانہ موصلتی بیانشن در

اقتضاء بہر دوآر • واسدعاء کردن استوار

که گاهی مرآت عالمی. اشکال سعادت و سرت
 تابدار. و گاهی آینه خلقت بنی آدمی انفعال
 و محنت و فنا صور طریق اشکار. امکان حال
 و کلد. هر آینه آیین عجیب. و قوانین غریبه
 سندر که. مائمه مست. المسمه سلطنت
 فراقته و صلت. احتراسه سلامت. کریمه
 کوله لر. نوحه نشاد اوله لر. کرکشان خدایان
 کرک بندگان و کدایان. **نظم** سیر اولیه
 چنین بنوشته فرمان زاول بیابان
 یکی بر تخت سلطان یکی در تحت پنهان
 نخواهد کامرانی حکم این و آنی
 نشان بی نشانی حیات جاودانی
نثر چونکه اول مرحوم و مغفور. علیه الرحمه الی ابد

۲۴
النشور • جو سرحیات و زندگانی سنی
بود هر فانی • و بدن خاکدانی ده نغم قلدی •
و دبیر تقدیر بانی که • اول شهر عا و ملک
خاک ریز اولان وجودنی • کارگاه اشباح
و تعلق وستی دن سلدی • عالم بر جان نرنه
و بر روان نرنه • و نوپ سحر سلطنت
جهانیا نیک نهر کما سی • و دودمان دیوت
عثمانیا نیک شمع نور افرا سی • دارا و آت
سکندر مرآت • هوشنک حکمت • جیشید
صحب • تهمتن رزم • کیهنیا و بزم • مائون امان
فریدون توان • کیومرث کام • سیاوش عظام
کجهر و رکاب • کی بهمن جناب • کرامت یار
جهان سایه بلج • فلک دستگاه • ملک

بارگاه • سلیم اتشقا • سلیمان مدار **نظم**
 کشور • سنان بلند نشان • سگوت آسمان
 بهنام جدی حضرت سلطان سلیم خان
نثر اللهم ابدد دولت • بقوة القاهرة • و
 اید رفعة سبطنة الزاهرة • و رکاه عکاک
 غبارینه • بو غبار آمیز خبر لک عرض اعلای
 اتم والزم اولدقل • تدبیر قبضه سنک سیف
 قاطعی • وزارت سپهرنیک نجم لامعی • کارزار
 غزائک شیری • ندگاه هيجانک دیری • خزان
 سلطنتک امینی • وفاین خلافتک راست
 بینی • مشکلاۀ انامک عقدہ کشا سی •
 و مهمات خاص و عامک طرفت نما سی •
 صادق الاقوال • رایتی الافعال • لا زائل

مسوراً بعناية ذي الجلال • وزير عظم بامدار
حضرت محمد شاهي كاكهار • رأي پوشيده
و تدبير ناشيده لري اوزر • ماوقوع عرض
و اعلام • و امور سلطنت و مائتي اعوام • بو دفتر رنده
كنز و لرك ساز دار قديمي • و كاتب امرار سفيحي
خواججه بان ثاني • من شيان بلاغت
نشانك دشتاني **نظم** فردي حله ذي فطنت فرديون فر
و طبعش بعبد الله مراد پشم سكر
زبان خامست اما بنود از سراد كويا
خطش چون مسك الادريرم زار با **نثر**
بو پيام مائتم شعار • و كلام خلافت و ناري • بر طر اعلي
املا و انشا ايد بركه • فلم و سندن غيري و لكره
نقل و نمدی • و بوا سرار لازم الاستار

صحیف فکرت و تصوره • رجم کی پریشان بولندی
 شوبله کیم ایلدی سان فلم ممکن اولمادی امتحان فلم
 کورمدی کسه حرف اول غمک یا کردین مخفان فلم
 نشر بومنوال وزن مکتوب و مکتوم • ختم سیارت
 خاتم مخنوم • قلندقدن کمره برعزت • بهریت
 همدرد هدایت • برچاوشن صحر حلت • اول فلق
 طریقه ارسل • و کسواردن کوتا هیه به یا لکن
 کز کونن ایصال • اولونوب مرآیای خواطر
 غباری • و سرسلطنت و خلافت انتظاری
 معلوم هنر پاکلری • و مفهوم طبع چالاکلری • خصوصاً
 اول نامه صدقت غنون • کتاب مرقوم شین المقربون
 فحوائی شریفه مفرون • اولغله اول وارث ملک
 سلطنت • و باعث نظام ملک دولت • اجمال و

۸۶
انقال خفت . وزحمت ایلغار حصت . بیورب

همای هما یون نامال . جبال عاصید . و نلال متفاسید .

قطعت میال . و صبا ی طراوت نمون میال .

نخ بیدای شاسع . و صحرای و آسع . طینه ^{الانقال} سریع

اولمعد سده اربع و سبعین و شصت . ربیع

الا و لک طغوز نجی کونده که دو شنبه ایدی مدار

سلطنت مرهونه . اعنی پای تخت هما یون . انصال

خلاف مألری میسر اولوب . سریر سلطنت و حکمرانی

که جلوس شرف مانوسلرینه مترقب . و قرائه معد

کیمی سنان که شان شریف مستر رسالرینه

هر وجه مسترب اولمشدی . اول و رسعید لازم محمد ^{نظم}

بر در پی دریادن الو ب کمار ایدی همان

فالمدی طوفان غم خراب مآمدن نشان

فلک شاهی دست قدرت هر کورک انگشتر
 پادشاه دهری ال دزره طائر بر روان
 بدن اول سن کنار اندک دیو اول هرور
 تحت شاهی قلدی فلک بحره رشک کریان
 تحت سلطانیه تقدیم اندی کشی تحت سن
 بویله بولاق روزکاری بویله در دور زمان
 نشر محمدی سطنظیه • صانها الله عن البکده • بوجوه
 جلوس هما یونلری • وقدم شریف خلافت بونلری
 ایلد مشرف اولدق • مناشیر صلابت رسان •
 وطایم بشارت عنوانلری • اطراف واقطان • و
 ممالک واقایم و دیار • پریشان اولوب تبدیل
 سکه شاهی • و تحویل خطبه پادشاهی • فرمان
 اولندق • میر میران اولان ذوی العتوان • و میران

47
اکناف آبادان زوربانوی قوتلرني اشکار
وروی نیروی شجاعلرني بساط تدبیر و همت
القا ایدوب سک حکومت خسر وانه ده کی
مالکی و ملک خلافت پادشاهانه ده کی
ممالکی هر وجه محفوظ و مصون و کمران و نیت
بیداران اولان اشراک حضرت و کزندگان
مخروسمائون اندکلرین ماعدا اشرف بلاد
و عظم سواد اولان خطه بنام و حیاطه لازم
الاسترام اغنی شام واجب الاستشام که
اطراف و جوانبی دشت سواران و اکناف و سبای
عربان عرب جوان اولوب هر جهله سرحد
و لصوص مفسدیني لا بعد اکن راه ناوانک
و آهسی و نفاة عطا و روشناسانک کشور

اراسی وزیر علی شجاعت مشیر فرست
وقور صاحب کلام دستور بلاغت پیام
آصف صفوت ارسطو سطوت شکر کهنار
ستوده اطوار والا ولا و لائی ادا بفعل
وزیر افخم اولان لالا مصطفی پاشا اول تا یکن حکم
شام و میر میران لازم الت شام اول مغله بر
تذییر لری پوتہ اصابتہ پوسہ وینع شہادت
شہیر لری میان حفظ و حراستہ میان بستہ
خصوصا بر آیدن زیادہ کہ سوار و کاھی پیادہ
ماہ عالماب کبی شہر یکنی کشت و گذار و شام
تا سحر سوراق و اسوق شامی صیانت
بیشمار استیکلری سبب ن
فتنہ بیدار کرد کور اچہ مدد قالدی سر خوا خوف خشنده

شویله یانیدی مشاعل تدبیر قالمیدی کسب طلمیده
نشر خصوصاً تاریخ مزبور ده قبودان. و شه شکر
 نصرت و نظر عنوان. اولان اکرم و زرا. انجم عظمی.
 دریادل. عارفی معادل. آتش انداز
 جزایر و قلاع. و نعره پرداز نوای و سیاه داماد
 پادشاه کیتی بیاه. و حلقه نوازه طودستگاه
 فلک فراشتک نوحی. فلک صدقک روشن
 فتوحی. بیالک سیرنگاه نرا. وزیر ثالث بیالک
 پاشا. بعض جزایره شکر حکمشدر. و فرنگسانک
 بواوی تفرقه اردو شکر. **نظم** ایدیه
 بمن جلو سر شاه جهانک سرایتی
 و کمشیدی سریره علم فتح و نصرتی
نشر و الحاصل اوج کون عام. استراحت و آرام.

بیوریلوب. ناوره دان فیلسوف زمان. علامه قدس
 ز تحسینی فضیلت. سید العلماء. سند الفضل.
 عقد کتبی نام. و ملجاء و ملاذ خاص و عام.
 قطب پهنایل. محور فلک خضایل. شفا
 تحریر. خبر لازم التوفیر. اعنی به معنی پرچود. حضرت
 ابوالسعود. لازال مسوداً. بمکارم الوجود. و سایر
 موالی عظام. و پای بوسخت سلطنته سزاوار
 اولان انائی کرام. موهبت تقبیل ایل تجیل. اولوند ^{فردین}
 صکره بوجه الاستیعال. لا بطریق الامهال. تجگاه
 ثانی. و خطه شکارستانی اولان محروسه ^{دورنه}
 حوسها الدعن قرآت لازمه. شرف قد و طریقه سعود
 و موهبت مجود لیله محض نمکا معمود. اولوند قدین صکره ^{نظم}
 عزم اندر عکره عرض جماله. بولکرده که عطا یله کاھی حلاله

۵۹
همایه بر خواص ابدی انجی کزیده از قاشیدی زه پی افشایده
نثر والی مسلک کاهی خواجه ادیب. فاضل لبیب
حاتم کف. سید شرف. سعد الدین دوران. ابوسعود
زمان. محض عطای اله. اعنی عطاء الله افندی ایل
شیرین موانسلری. و کاهی عارف موشکاف
کامل کمال و صاف. مصنع کلام. مرصع پیام
خیال خیال. هلا بی مال. اعنی حلال بکت ایل
زنکین مصاحبسلری سبقت. ایدوب آخر الامر کونده
بلغزاده و صول. و مرحوم و مغفور او تا غده نزول
و دخولسلری. میسر اولوب بوجا بنده دخی و الا قدر
اعلا سر. بو بکر خلقت عمر عدالت. عثمان بانی
علی شجاعت. دافع الاشکال. با حسن الحال
رافع الاختلال. با بلع الفال. دستور اکرم

آصف اعظم. مشیر خرم. وزیر خشم. یعنی به هجرت
محمد پاشا. عا کرنا متناهی به رهما. و حیوش
منصوره شمشاهی به پیشوا. اولو قبا قفار
وسفار اسفاره. سکوار جانبدار منفضل
و مرحوم و مغفوک جسم بی روحی به جان عالمه
اولی کاهی لباس حیال نمایان. و کند و لرغری
پانچ اچانا روان. اولوب بروجهل اخفا.
و ستر ستره نابیدا. ایلر لکه. کهرشی مرحوم
خداوندکاری زنن صانوردی. صحت مونه واقف
اولانلرده. بوا و ضاعی کور محنت انا نورده.
القصد فرق دورت کونک حرزون. ورسم و بعد
مدفون اولندقدن صکره خاکدن بیرون. و سر
تا بوندده صاحب کون. فکوب شول مازدک

منصوره سلطان کبکی سنان. حضرت سلطان
سلیم خان. قدومندن خبردار اولوب بر مقدار
شاه شایر. والا دخی مرآت تصویریری غبار.
رشدن قورلمدی. و آینه تفکریری زنک
امرآدن مبر اولدی. اخوالا عمر اکبری کران.
سواران و ناسواران. ایرته سی او تاع همان اطراف
خیمه زنان اولدولرنم. سلطان تهاب او تاع غنه
میرنش. و اسباب سلطنت و خلافت. صاحبیه
و اصل اولشن بولنوب. بی شهبان عالم
معلوم. و میت مجسم ظاه و مفهوا اولدوغی کبی ^{نظم}
عسکریره قن صالدهی همان عسکر اولدی کونیه یاروش
عربه اشک فرادان ایچره. کشتی نوح ایدی طوفان اچره
تختن ایریلوب ل شاهان. اخیلا ایلدی تخت روان

والی اسل عا کر ملا مت نمون • ملول و خسرون •
 و مجنون • و صماخ مغفور و خزون • انک میت و انهم
 میسون • خطابنه مقرون • وزیر نادره دان •
 حضرت پاشای کاروان ایسه مرحوم مغفور
 روحانی شدن • و بادشاه کیمی پناه حضرت نیک
 النفات و عزت شدن • هذا يوم ينفع الصادقين
 صدقهم • ان شاء الله منطور العیون • زبیه
 تدبیر و بجزت افکار • ان ذلک عبرة لاولی العیون
 خصوصاً شاه عالم طوئید مائمه
 جهان سلطان خزن اولدی حرم
 اکوب ایامنی مرحوم شاهک
 شب تانده قالدی دو واهک
 قتی نادره ای غافل بو حالت

کله بر بیره شادی و ملالت
 نشر و قتی که مکننت و جلا دند مقیم و سرچ
 نوکل و محله سدیدم اولدوغنی کوردیلر غنزه
 بی و هم و بیم اذ جاء ربی بقلب سلیم ملاوتی
 ایل اول شهریار لازم الا حرامک خاک پای
 رخشنه هر وجه تعظیم و تکریم ججه لر بی سوردیلر
 چونکه اول اویاغ سعادت قرین و بویک خزان
 بی کران و اسپین شرف نزول لر بی مشرف اولد
 و قدوم محنت دخول لر بی اولکین زما ده شرف
 بولدی همان اول کون و زرا عطا و علما و سراج
 ماتم جامه میرز عمام اولد قلدن ماعدا پادشاه
 سلیمان اوزنک دخی بی سیر و قرار و نی
 دزنک شمل عز و غمی اطهار و شمله مایه

اختیار. بیور و بصلوات مغفوری و تاج اکبر
 ادا. و جناب واجب الوجوده عالی مرتبت
 و انما. فلدلری کی بلا تأخیر و اتمام. مرحوم و متوفی
 میشتی ارسال. و حمیه قسطنطنیه البصیر. ایچون
 فرمان واجب الامتثال لری اوزر. وزیر عالی
 جناب. احمد پاشای کامیاب. و اول غرای
 نصرت مائل. دعوت و اشتقاق اسماء
 بی مثال. اولونان عمده الرنا. قدوة العباد
 فاضل متصوف. کامل متصرف. سر حلقه
 سالکین. حسر پشیمه و اصلین. علوم ظاهریه
 ممتازی. و فنون باطنیه کاشف رازی.
 چراغ افروز خلیف حقین. شیخ مصلح الدین بن
 شیخ نور الدین. دامت ارشاده کما وارت

۱۹
اوراده. و مرحوم شیرک مسطوری. واقفم و
اکابرک مسکوری. مربی بلغا. فرنا و اغا. و بعض
خدّام. و خدمه لازم الحاشام. قوشتوب منبر
معهوه مقرون. و جامع شیرعزری جوارنم
مدفون. ابلدیلر. رحم الله علی من قال. رحمه الله
علیه فی جمیع الحال. خصوصاً شمع جمع دو دمان
و چراغ افروز خاندانه. اولان. مصلح التالکین
مولانا شیخ مصلح الدین. نور احمد مرقد حضرت کی
قطب دایره کون و مکان. و کوهر بلند اختر کائنات
امکان. مشایخ ماوراءنهرک آب روی. فضلاء
مبتکرینک یوزی صوبی. و اصلینک فخرم امیر
مولانا امیر شمس الدین بجاری. قدس سره
خلفا سندن اولوب. مرحوم معفوز سلطان سلیمان

خان عليه الرحمة والعمران • حضرت لری بعض اوقات زیارت
 کیدر لودی • و دامن همکزنه تثبث ایل اوراد •
 وادکارندن استمداد • ایدر لودی • و باطله
 طریق نقش بندیه نک عاشق سر بازی •
 و کارخانه و کرو توحیدک برو جمل نقش پرواز •
 ایدی که جسم زرد و نزار لری • لذت یا ضل
 بال مومنه و نمونش ایدی • و پنجه زایرین و مجاورین
 لیل و نهار • پروانه و آرز • چراغ هدایت نثار لری
 نور الموعود و نمونش ایدی • پس اول غنیز کرامت
 و ثمارک • خیر خلف ارجبندی • اقربا و نیکبوی لای
 مولانا • درویش افندی که کلیه روح مالک •
 و تصفیه قلب طریقته سالک • اولوب کچ درویش
 و لریشه • دست عطا یله مرهم اورشدی • و از آن

۵۹
غریب پرستو نشین. انواع خود و سخاوت فریاد رس.
اولمندی. علی الخصوص بر زمان فراز منبر
سه محفل خطبا. و کسان ادوار و طبل نواز
بکمی گویا. اولوب خطابنده عروج زاده سبک
مواجهن بوشش. و مخبر قوللری مقام و مجلس
حاضر اولوب غرض و لریزه. درون دلدن قول
اوشش ایدی **نظم** قلمینه برده خطبه به اغاز
صانکه ببل و قوردی کلشن راز
منبر اوستند بهر کورن دیر ایدی
کندی کبی صد اسیده منتاز
نثر و بر زمان التفات پادشاه. و احترام
مقران در کاهله. ذات پاکلری محراب نشین.
و عمل در اکلری پیشوا، کرن. اولوبن بیلدن.

اوقات خنده محسوس و آماده خدمت امامت
 عواقب و کسالت ساده و نماز و نیاز باغنده
 قاتل و کینه اقامتی پای بند مساهل و ازاده
 سلطان سلیمان محرم و مقتدا خاص بخمقتدا
 خاص پیشوا صادق الاخلاص اولوب ائمه
 سابقه دن فایده بکسره و مقتدا یان ساله دن زیاده
 رعایت معارف اول و شلرایه **نظم**
 بکسره خرابه اول خجسته صدا اقتدا الله شاه عالم اکا
 یکی کوشن و کردی کل کبی شاه بیل آسا او قودی اول کوبه
 کرچه نعره رس رنج نایل اید ایغن طور شاه کل اید
 بیک هر کسینه ختم الله نه او شسته سوره کتم الله
 رحمت اول قودی پادشاهیم ذوق اید قی صفا سور و تمام
 نه نیاز الله پادشاه دن اول هر نیازی بولوروی برنده بول

54
کرنیاز آنکه کر نماز او هم نام او بریدی و پادشاه بنام
شهر چونکه چشم رجایه احسان بنی کورش و دست
تمایله سفره نعمته ال اورش جسمت هر دزه
مهر بملرله وجود بوش و اسکنک هر قطره
اقاب تربیلرله درو کوهر اوشش برداعی حرئی
و پیشوای حرئی ایدی فلان جرم پادشاهک حفظ و
وصیاسته اهتمام و تابوت عالم تباهنک محمل
و نمکنده اقدام اقدام قیام ذمت خلعت درنده
قرض و عبادت عبودیت درنده واجب الادا فرض
اولمغل پای تخت کلنج همراه وادکار و اوراد و
رفیق هدایت کواه اولشدر ایدی بعد از آن سلطان
جهان و شهر بار فرمان ران ابره به مهر
برین تابان و خیایای زمین زمین نمایان اولدو

کبی دیوان و جمعیت روشناسان بیور و
 اکابر و اعیان و عطاء عالی شان بوللو بوللرخ
 و قوللو بوللرخ پای پوس سر بر سلطان خندان
 و شاهده، طلعت پادشاه زمانه کامران
 و شادان اولد فکر سینه
 ز کوس سعادت برآمد
 که ای نامداران دشت غمزا
 بر آراست سلطان سلیم دوم
 سر بر سعادت پی افکنم
 جهان نوبان چو برک طری
 طراوت گرفته همه سرسبز
 نقاشین ساز شکافه درست
 شده زین سلطان سلیم نخست

نشر بوموال اوزره عاين انعامي بيداء همنه جاز

• و زلاان نوال احساني دريغ واد پلرندن عاري

• اولوب ساكربي كران • بكاريم مي غايه لرندن بهره ر

• و جود بكار كران • بخشش بي پايان لرندن

• اوليك لسم رزق معلوم • فحوا سنجي كامكار

• اولدقن صكره جا يگاه سلطنه غرمت • و

تحنكا خلافت توجّه و حلت • بيوريلوب مرواريد

• و عبور اونه • ايله وصول و دخول لر مي اولدقده **نظم**

ينه دريائي سكر ايني غوشش

ينه روي زميني طندي جوشش

سپر آيينه سني ضيا و بدي

تا بش مهربان غنا و بدي

كيدري بوكلكلو او سكوفن مردان

بچہ فوہر فلو بلڈ اولڈ سے عیان

و شنه خشل بر اولڈ سے هو ا

کوکن ایشندی حضرت عسیا

نظم والی سل و زرا و عطا و کبر و علما و خواص

اعیان و ارکان و دفتر داران و روشناسان

لایما سر اسر پوشش و مهر و خوش چاشکر

و دربار و سیم پیرو و بکچر بلر خا مان کر از ان و صوافکر

شایان جلوه گمان و بیکر و مرصع رخت مناعده

سپاهیلر و تیغ کبر و تیر تیر و سلا حدار لر

جنگ شناس و سرنک لاس و علوفه جیلر و جگر دران

ولاوران و غریب کبیر و صدای شپور و نفیر و نوا

صورتای صورتائیرله و صف صف و طرف طرف و فرق

فرق و نعره مره و سواران و ناسوران و بریاد شاه

هوان

جهان بناهی در میان المیشکره
 پنج سکون انکار آبادان بدی اقلیم حکمی اولدی وان
 ظل حقدر سحابست در خوش کرسایه سنده خلق جهان
 نثر. بومنوال وند زید و بنیت. و شکوه و شکست
 اید سرای عامر لری شرفیه نیت و غریب
 بورد قلین. عاملر کاطلر فاضلر عاقلر دانلر
 مشکل شالر. داینت بزمنک شمولری. وراست
 شمعنک لولری. ارکان دینک عماد لری. بوستان
 یقینک شمشاد لری. بزرگ دسار لری. مابه
 الانفتار لری. شکر استیلر. بلاغت کزینلر
 هر بی برکادان فیلسوف باشد لغمانی عمامه تنزه صوف
 نثر. بونکردن ماعدا. اعیان ولایت. و کبار و صغار
 رعیت. جوق جوق دعا لری. فضل فضل ثنار. ایل

استقبال • و هر وجه از آنست از واجلال • صد و نود

ایکن • ناکاه • بر بارگاه سعادت پناه • و درگاه

عظیم دستگاه • صدف و آبر • اول کوه بستانک

قدومنه اغرا چدی • و کربنی کران انک حلا لستنی

کوربخ کند و دن چدی • و باطله مفتحه لسم الابواب

سنة مزبور ایا مذن بر مبارک کونند

نگزار تحت خلافت • و بر سر سلطنت و مسرت

جلو سید کامکار و کامیاب • اولدیر

ظلیدر بیروزنه الکهاک

کونی کوندن یک اولسون اول ماهک

فتح عالم سیر اولسون اکا

جند آدم سحر اولسون اکا

ایرسون سیر بونسل باک زوال

کونند

کوزلسونلر تحبانی چون م و سال

مجلس سابع سبب تالیف و تسطیر و خاتم رساله

نادر النبطیر علی الخصوص مولفک عرض عالی و عالی همک

بخت ناما و دین شکایت پر طای شکر خنده

بردم که شدت شتا. چتر از عالمی خشک.

و مخترت سرما. آشیانه بلبلی پرواز کا کجبتک.

آتشیدی. خصوصاً برف و باران. زمین و آسمان

ما بدینه برودت برآشیدی. و آسب صر

زمرسان. چوق نهمال کراز آسب

آتشگاه غریب و فناداده و ده پمندی **نظم**

افتابک پندی تاثیر ایلمر ذمی صر

ایر کوردی برفه خاکساره فان بره

ریخ و کل با ملک کتارن کورندی و بشکر

خند قلدی خانه لرا چهارون سر مره
 نثر انگ کپی از مان سرود. و آوانیخ و بر دوده
 کلیسوی خاکنگ حاصلی. و معارف کلستانک
 و اهللی. مصطفی بن احمد نام. بو حقیق عالی شهره
 و عالی کلام. ملازم دیوان سلطان. و موافقت
 اسنان کیمی اسنان. نیتی ایلد حروسه سینه
 حمیه بهیه. اعنی بلن قسطنطینیه خاور لرندن شکن **نظم**
 نه مجال اولدی عرض حال قلم
 عرضی عرضده استغاثتم
 نه مرتبی بولوندی کم ایلده ده
 بنی یوان شاهه واکسل این
 مانع رزق اولوب حجاب بکا
 هرگز اولمادی فتح باب بکا

برکاشت شاست سمنی

برکادن غریب سلق المی

اودنی اود بهاسنه الدم

وار لغم خرمینه اود صا آدم

آلک وشنه بی بدوب تاثیر

اودند و شوبری فکرم اولدی

و باطله نچه زمان بو طریقه کشت کرکان بیت

اخراجن نالان و معیشت مخلصه سرکران

خصوصا در درج عظمی و دری اوج خلافت

مردم دین عالم مخدوم پندین بنی آدم

و ارث ملک جهان باعث امن و امان فلک

رفت ملک سیرت آفتاب رتبت

افراسیاب شوکت نوین فریدون قدر

نوابین همایون صدر عثمان بخت سلیمان بخت
فرزدار چند شهنشاه کامران

شهراده لکرکزی سی سلطان مراد خان

یار بحال و موفاتین بردوام سل

عمرین مدآم و دولتی سدام قل

ختم شانانه لریله مخنوم و نشان شریف جاودانه

لریله مرسوم اولوب اولدی عالی قیوم ثنا خوانی

خاطر محزون سویندک آنی بهر مند اوله سیند همت ایدک

اچی سیند بدل زغام ایدک مصمونه مقرون شفقت

نامه همایون لری محفوظ و مخزون دل و پیرام ایسه

ملول و مخزون اولوب طور کن تاتف غیبی حنا بندن

اشارت و ملهم لاریبی قبلندن بشارت اولوب

دویدر معرفت فیه کدر عرض قدرت بولک کدر

استکار ایک شمع عرقانی تار مارایت ظلام احراقی
 ایله انشا کھرین پیدا دکلسون آتی حضرت پاشا
نشر بوالقاء سبحانی • والہام ربّانی • مقارنتی
 ایله مادّہ زمان • اعجوبہ دوران • اعنی فتح قلوب سکھوار
 داوّل کونزده ظهورہ کلان تدابیر کرامت شعار •
 سراپا اطّوان ش قلوب محفّہ عالمده برقرار •
 دجریں قلوب بنی آدمہ برکدار و یاد کار •
 قلمی مراد اولندی • کہ تجلّیہ باعث عبرت • و محض
 پند و نصیحت • اولوب امور و زارے و جهاندار
 بونک کبی برکار صوبت شعار • و دشوار ظاہر
 اولدقده اکاکون تدبیر • و حوادث مشکله
 تسهیل و تیسیر الیہ لیر • بومنوال اوزن حامی بصیرتم
 دربان • و مداد بضاعت در کتب فراوان •

ابدوب • هفت مجلس نام • بر رساله بدعت
انجام • سمت تصفیه اتمام اولوندي • وسمطه

جواهر معاني سنده انتظام بولوندي **نظم**

هفت مجلس هنر فلکدر بدر

خطی شبدر بیاضی کوندز در

سر خط حله نیاز اگر

باغ نثره مهب دور کوز در

بودی مجلسک نفایسی خود

سکری اولغیده از اوز در

نثر امیدوارم که اول مهر سپهر وزارت

ماه فلک عطیت و جلالت • اعنی به حضرت

پاشای اعظم • دامت سعادت بمواهب الحاکم و

الهمم • بو هفت مجلسک مقدار فی سبع سماوات

برتر • دعای قولدر نیک استخار فی • بواسطه
 اید کون کبی روشنا و نور • سویره لکه **نظم**
 ایدم زنده نام پشایی ساعت حشره و قیامت
 جو قید ریت الله و لکه تا اوتوز قرق بیک نعامت
نثر بنم کبی خاک سار • و بنم زار و سزار • قلت
 اعتبار • و گرفت افتقار • اید بزل افتدار • ایدوب
 خانه و همزه کی معانی کهر لری الخاف •
 وزوایای فکرت و اشتعال ده پنجه کو نذر •
 ریاضت و اعتکاف • ایدم • حاشا که اول کارم
 سپهر نیک نری • مراجع و یار نیک خبری •
 الطاف بحر نیک کوهری • احسان ملک نیک
 مهر انوری • عطا بر منک صدری • سخی مجلسک
 والا قدری • آصف اکرم • مشیر افخم • سهری اعلم •

جوتی احکم۔ و فور محترم۔ دستور محترم۔ باعث نظام
عالم۔ ہمام کزین بنی آدم۔ حضرت وزیر اعظم
و معظم۔ لازال محفوظا بعناہ اللہ الا قدم۔ اومد عین
زیادہ عاقل۔ وزعامتدن فضلہ مملکت و عاقل پرست۔ نظم
کرک اعلت کرک شادایہ

آستانک ترا بد عاقل

نظر ایلر سک اگر سلطانم

وانی نامی کبی اولور عاقل

کرا و فور سک جواہر سخن

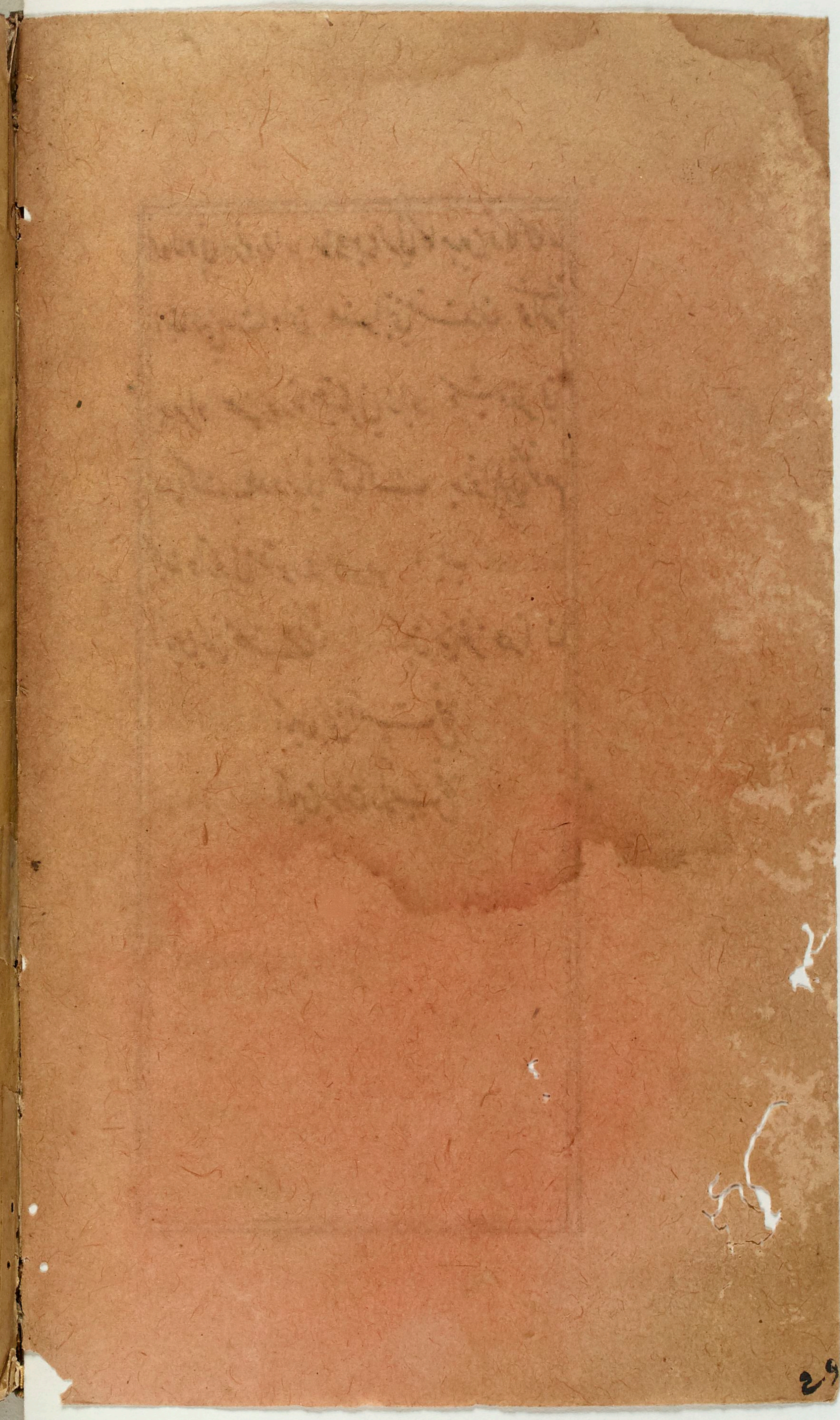
شہرہ منظم اولور عاقل

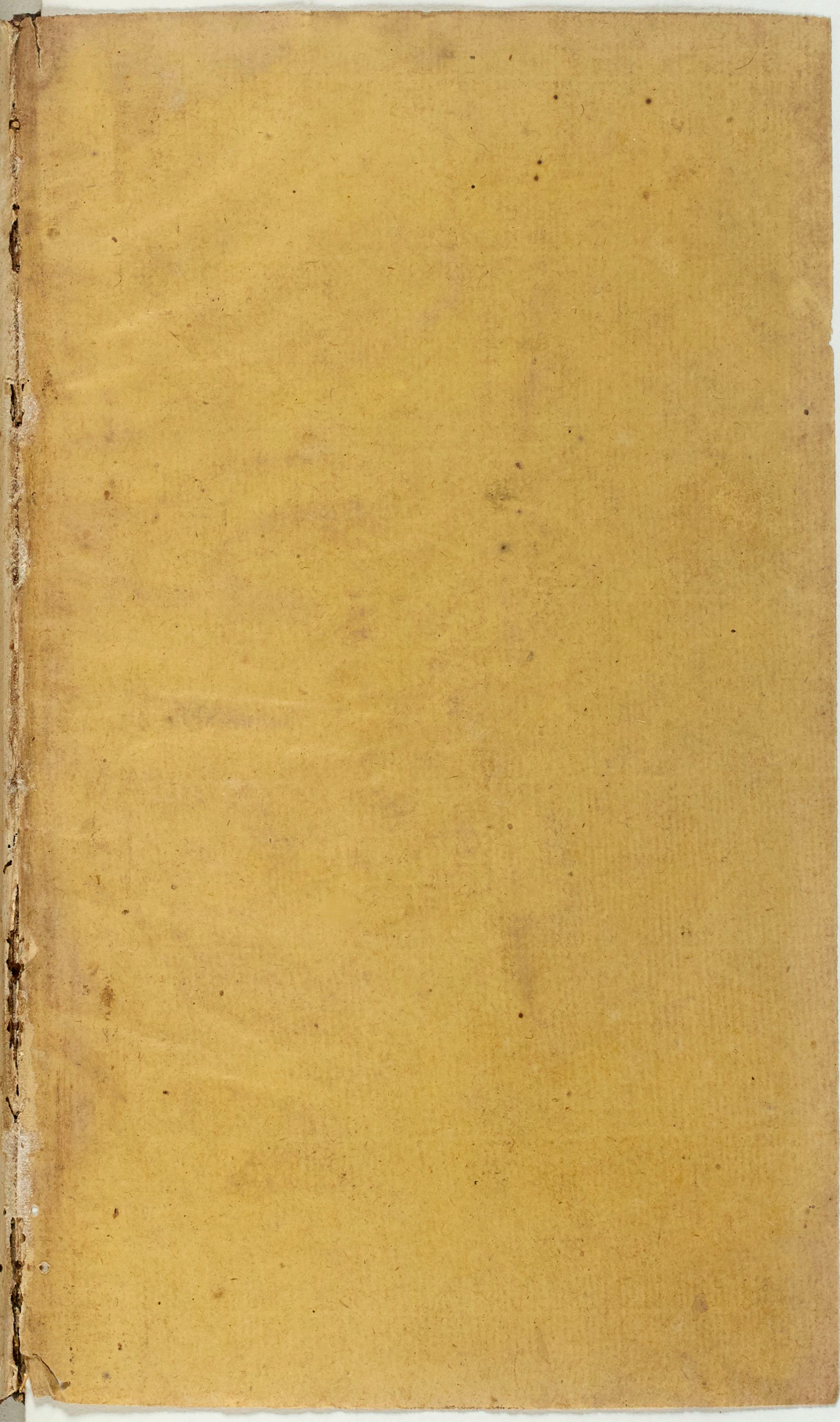
نثر بار خدا جل و علا۔ دایما اول وزیر دانا۔ و شہر

کشور آرا۔ حضرت ملک لباس و لیتی دایم۔ و اسان

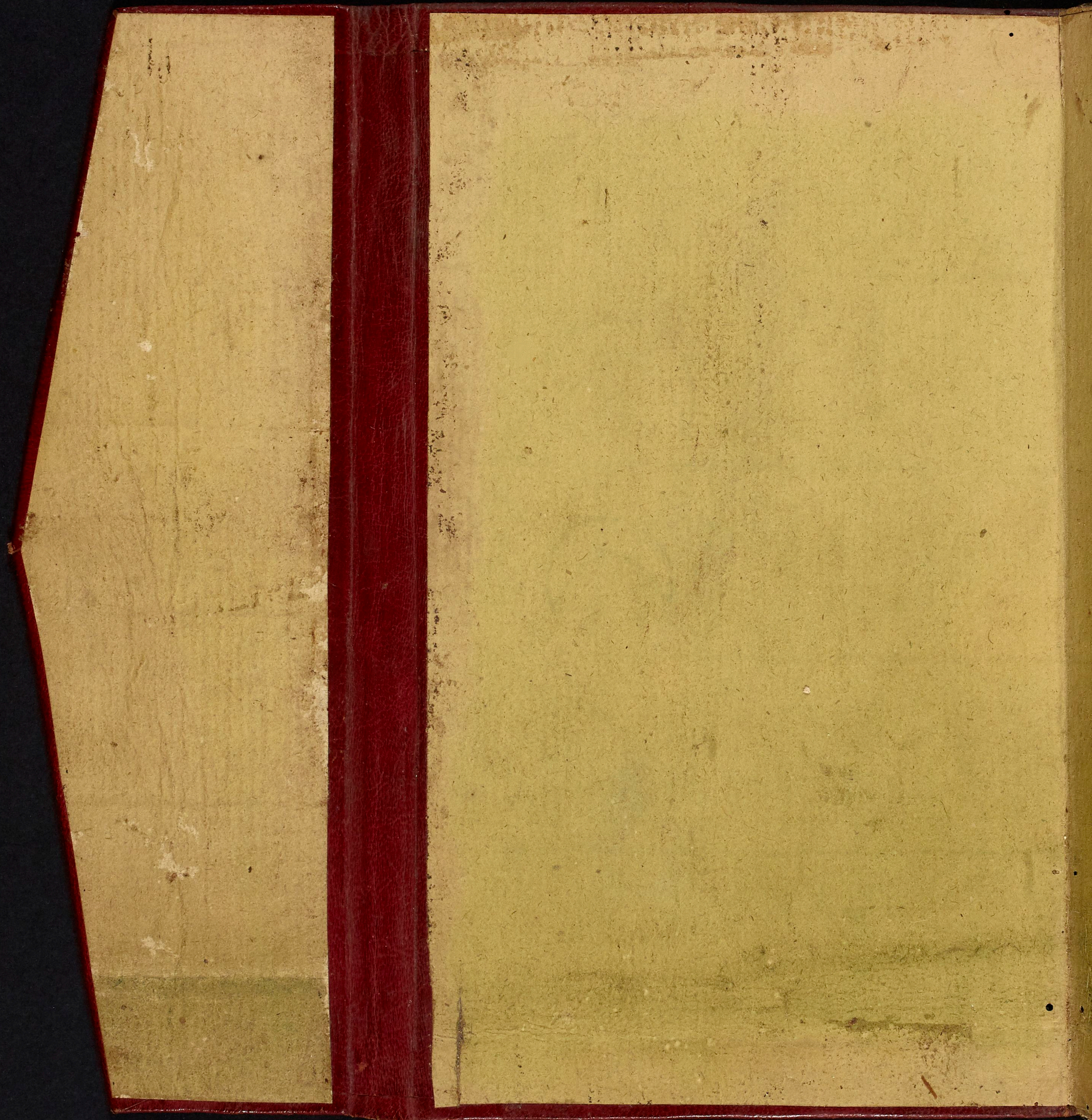
رفعتنی قائم۔ عشر فی دراز۔ ذات پاکنی محرم راز۔

اولادني بر خوردار نوزدين لربي کامبين و کامکار
 ابتاعني شادان منسوباتي خندان فولکر
 بر مراد حضور و رفاهي لربي زياد دشمندي
 هلاک عدولربي غناک بدخواهربي مغموم
 کينه دار لربي مغمور و مغموم ايليه
 آمين بختي صحت قرآن آمين بختي فخر عدنان
 آمين بختي است فرخ
 آمين بدان رویت فرخ











Ms
URC





